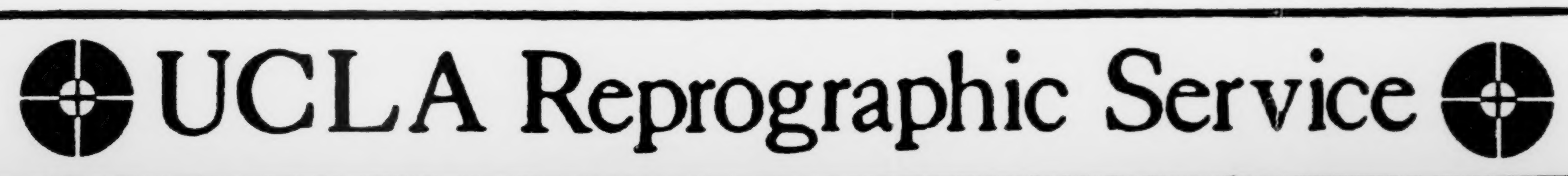
START



REEL 98



National Preservation Program for Biomedical Literature:

Preservation of Persian and Arabic Medical Manuscripts

Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles

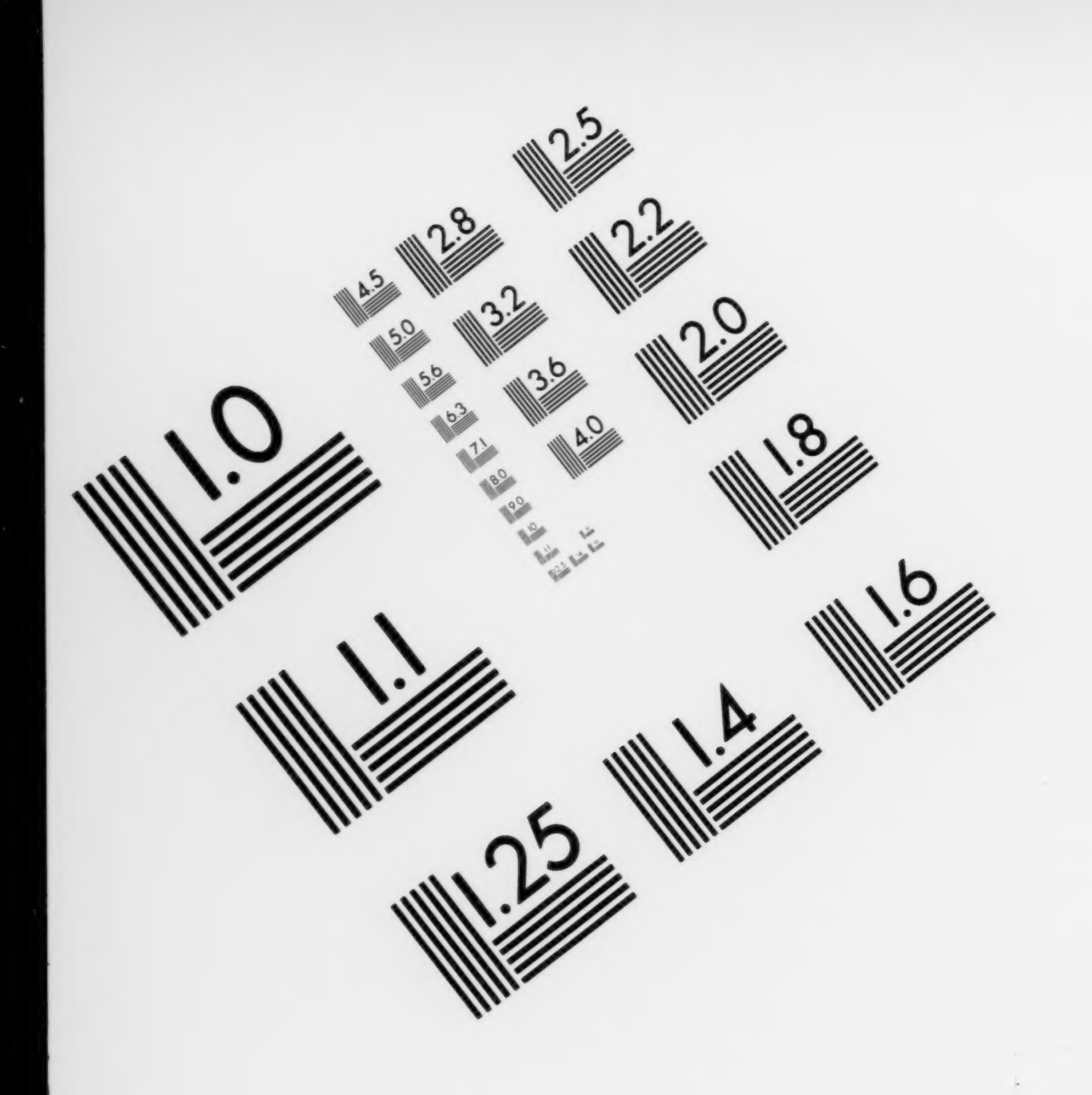
(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

The material on this microfilm is of varying quality. Portions of the material may illegible due to:

Aged paper
Foxed, stained, or insect damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink

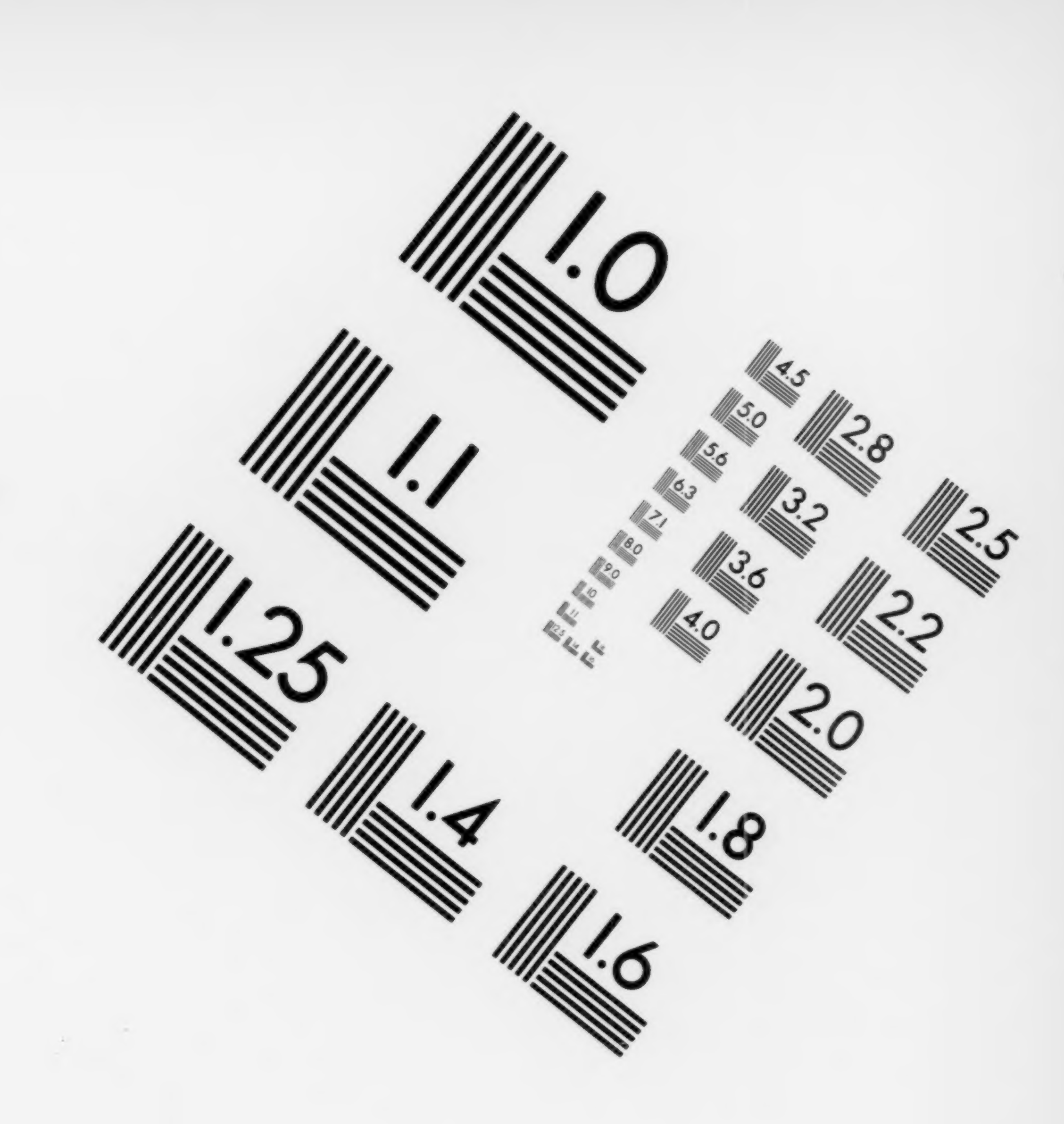
Red and purple within the manuscripts may appear paler.



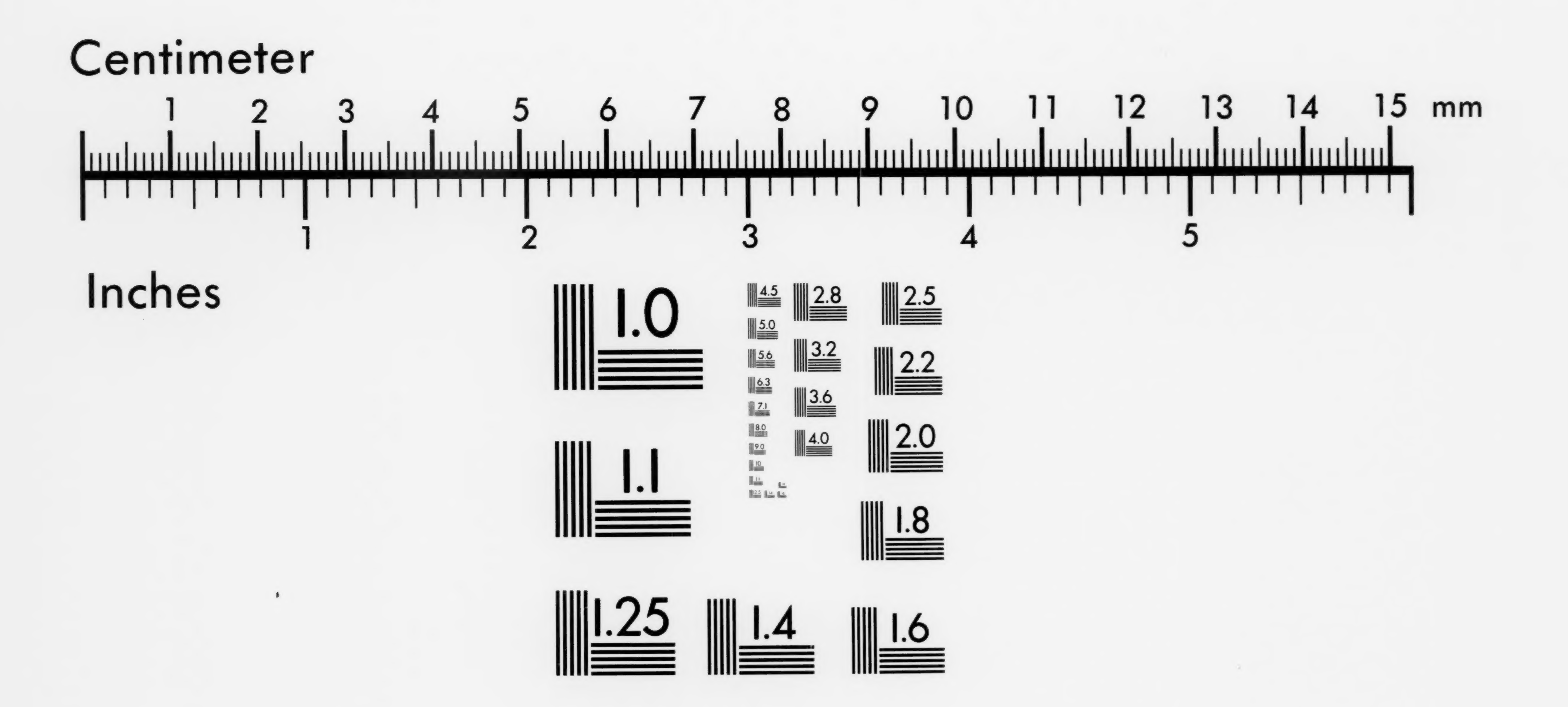

AIIM

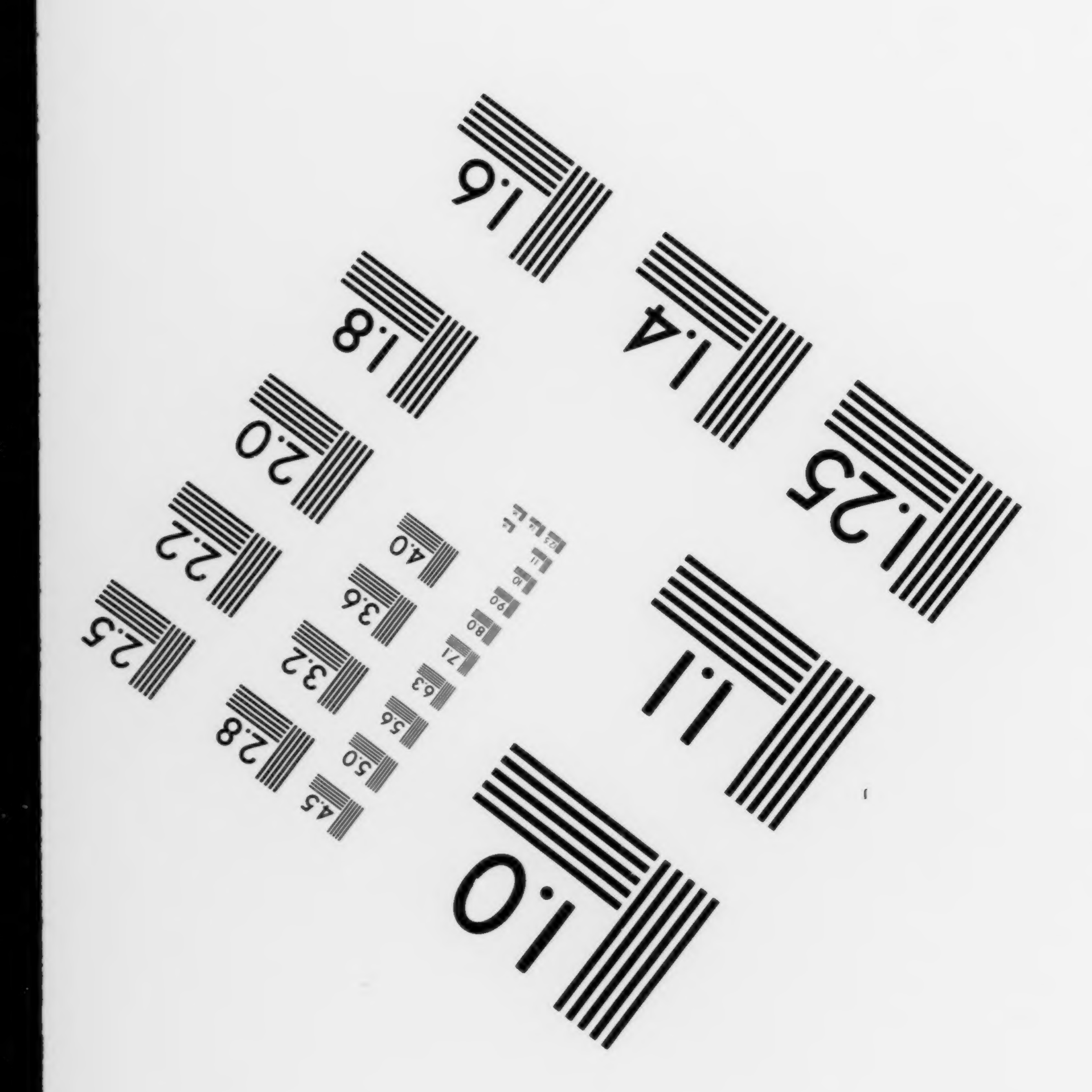
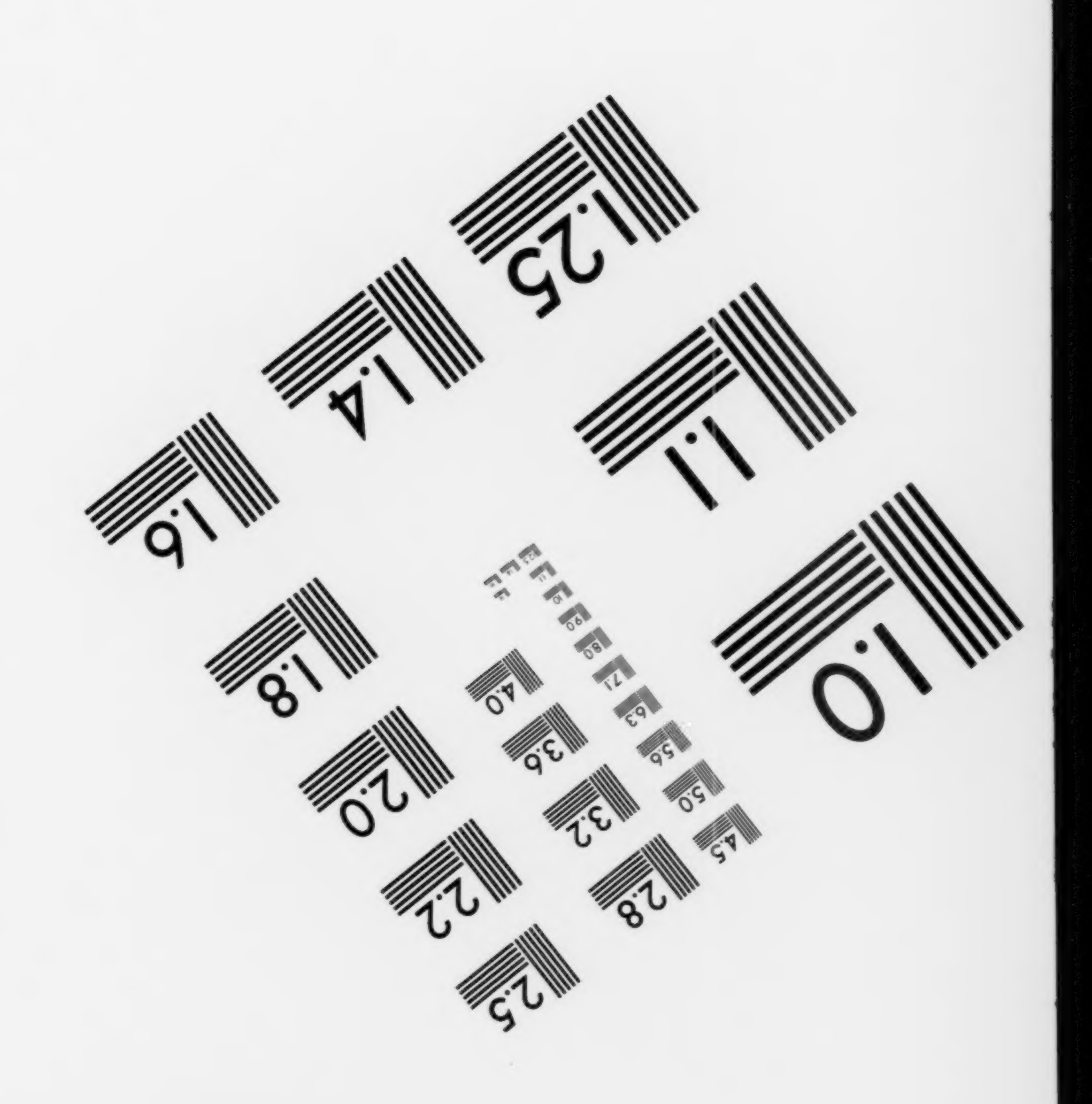
Association for Information and Image Management

1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910
301/587-8202



MS303-1980



MANUFACTURED TO AIIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

History and Special Collections Division
Louise M. Darling Biomedical Library
University of California, Los Angeles
Los Angeles, CA 90024-1798
U.S.A.

Persian medical manuscripts. -- ca.
1100-ca. 1900.
150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.

Entire collection microfilmed as part of a National Library of Medicine preservation project: the preservation master negative is at NLM; the printing master negative is at the University of California's Southern Regional Library Facility; a positive copy is housed in the UCLA Biomedical Library's History Division.

Formerly a part of: Near Eastern manuscript collection, Dept. of Special Collections, University Library, University of Califonia, Los Angeles, and assigned accession no. 1117. Transferred to the History Division of the UCLA Biomedical Library in

 SEE NEXT CRD

Persian medical manuscripts. ... ca.
1100-ca. 1900. (Card 2)

March, 1986.

Finding aids: Annotated and indexed list available in library: Richter-Bernburg, Lutz, Persian medical manuscripts at the University of California, Los Angeles : a descriptive catalogue (Malibu : Undena Publications, 1978)

1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts, Medical. I. University of California, Los Angeles. Louise M. Darling Biomedical Library. History and Special Collections Division. II. Series: Near Eastern manuscript collection ; no. 1117.

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 100

(Richter-Bernburg No. 206)

Author: Anonymous

Author: [Qarābāẕīn]

78 fols., 100 x 175 mm (jong)

وباد را دفع دکرده ... دهد وبول را دراد

گر سبب ان ورم جگر و سپرز باشد سود دارد زعفران ...

دوازده مثقال اب روان مو و فود انیسون ناد قطراسالیون وریوند چینی

از هر یک چهار درم سنبل شش قسط و سلیخه دفقاح واذخر و جنس بلسان

یکدرم فوه دو درم رب السوس جعده مصطکی غافث از هر یک سه درم

روغن بلسان پنجدرم گل صاف چهار درم العسل معجون سازند تخم کرفس

از یکدرم تا دو درم با ماء العسل منافع ان مثل منافع

کبیر است زعفران سلیخه سنبل از هر یک دو درم قسط

فقاح اذخر دارچینی از هر یک یکدرم کرفس و تخم بلسان روغن

بلسان انگور بیخ کنند بعد از ان العسل معجون سازند ... شربتی یک

— امراض طحال ... سودا ... غذا

و ... سپرز ... استسقا ...

وخصاه را نافع باشد مضرت ادویه سمیه مثل افرن

دشوکران و بیخ لفاح و از جهت لدغ عقرب و رتیلا را نافع

کوکرد زرد زرنیخ سفید فرد ما ما میعه سایله را از هر یک

درم سداب و مصطکی تلخ از هر یک ده درم افیون زعفران

از هر یک ده درم [illegible] دوازده درم بعسل [illegible] و دو درم

بعسل معجون کنند مثل حمص بار بار بشکنند و قولنج را نافع

هزار اسپند و حلبه از هر یکی درم دروج [illegible] بعسل ابار

[illegible] فو فرفی فسطا زعفران زنجبیل از هر یک [illegible] درم بعسل معجون سازد

شربتی یک درم تب ربع و لدغ عقرب و رتیلا و اسهال انها را

نافع باشد از جهت تب در سکنجبین دهند بعد از ناهار چهل

کنند شربت یک باشد و از جهت لدغ هوام در شراب حلتیث

سداب [illegible] بعسل مساوی کوفته بعسل سرشته شربتی معادل

بلنجه اوقیه [illegible]

منی بغزاید و باه را قوت دهد و بیت وکرد را محلول سازد

و درد را سی حاجت عظیم نافع لعوق بجهت کمرو [illegible] [illegible] شلغم

تخم شبت با گزاده را نا زمغز [illegible] [illegible] [illegible] کرفس

تخم فرفی بیاز [illegible] حب الرشاد انجره تخم کنند و حولی حب الفلفل

مغز حب الزلم [illegible] [illegible] مغز جلغوزه از هر [illegible] [illegible] [illegible]

عاقرقرحا کبابه [illegible] بحسل کم اسبت [illegible] بوزل فرد از

از هر یک سه درم و در زعفران مصطکی کندر عود از هر یک [illegible]

کلیمون بوزیدان [illegible] سعد [illegible] لسان العصافیر

از هر یک [illegible] بعسل الغار [illegible] [illegible] حب السمنه

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از هر یک [illegible] معلق حمرا

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] ادم [illegible] بورن

[illegible] معجون [illegible] کرم [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible]

[illegible] [illegible] ده درم

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بعسل [illegible]

4 معده را قوت دهد و اشتها طعام آورد و قوت

بگشاید برای [illegible] از نوبت و دانه پاک کنند

و در سرکه یا شراب بجوشانند تا مهرا شود و از

بیرون کنند و نیم شسل صاف بر سر آن ریزند و بجوشانند

تا بقوام آید و این داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند

زنجبیل دار فلفل فلفل [illegible] روداری و زعفران

از هر یک سه درم مصطکی پنجدرم زبد سفید [illegible] درم

ده درم شکر [illegible] از [illegible] درم [illegible] استعمال [illegible] جهه

قولنج نافع باشد صاحب مزاج گرم موافق باشد

و در فصل گرما توان داد از جهت محرور مزاجان [illegible]

تابستان [illegible] نهاده [illegible] دو درم و نیم [illegible] سفید ده درم

معجون [illegible] کدو از هر یک پنجدرم ورق گل سرخ

[illegible]

3

5 طباشیر از هر یک [illegible] درم و نیم ترنجبین [illegible] عصاره [illegible] از

هر یک پنجاه درم آب [illegible] ترنجبین [illegible] بجوشانند چندانکه

ترنجبین که داخته شود بقوام آید پس [illegible] کوفته

و بیخته با آن بسرشند این جمله ده شربت است [illegible]

[illegible] معده را قوت دهد و [illegible] دفع کنند لون

نیکو سازد و اشتها طعام آورد [illegible] اصفهانی از نوبت

و دانه پاک کرده پنج [illegible] در سرکه بجوشانند تا مهرا شود بعد از

بیرون کنند و نیم شسل بر سر آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید

فرود گیرند و این داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند زنجبیل فلفل

دار فلفل از هر یک چهار درم [illegible] زعفران از هر یک

ده درم شکر [illegible] چهار [illegible] قولنج و وجع [illegible]

بلغمی و [illegible] دو درم صاحب جگر را نافع بود معده [illegible] گرم کنند

جگر [illegible] غلیظ [illegible]

نماید [illegible]

6 جندبیدستر دارچینی افیون اسارون فو و مو و دوقو از

هر یک یکدرم فلفل دار فلفل دارزرد قسط از هر یک شش درم

زعفران نیم درم بادزهر در عسل حل کنند و ادویه کوفته

و بجنبان بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی

نیم مثقال تا دو درم با ب گرم نسیان و قولنج و

تا نقص ریحی و ادرار از زنان حامله را اگر با ب آن برود

باشد نافع بود و ریاح غلیظ نو رانع

فرسیون قرنفل سنبل زعفران از هر یک [illegible] درم افیون [illegible]

از هر یک [illegible] درم کوفته بیخته بعسل معجون زنند و بعد از شش ماه استعمال نمایند

معده و قوت دهد و باه را نیکو کند و سرعت انزال

نافع باشد پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی [illegible] مشک

[illegible] تلخ [illegible] خولنجان [illegible]

از هر یک

4

7

از هر یک شش درم پوست هلیله املج [illegible]

از هر یک چهار درم [illegible] [illegible]

از هر یک [illegible] درم سعد [illegible] درم [illegible]

خبث الحدید [illegible] [illegible] [illegible]

صاف [illegible] بطریق معمول معجون زنند و بعد از شش ماه

استعمال نمایند شربتی [illegible] درم [illegible] با شیر گوسفند تازه

سعال و درد و اوجاع کبد و سینه و آلات تنفس و معده

و اوجاع طحال را نافع باشد و از صاف کند و ادرار بول

[illegible] [illegible] درم زعفران [illegible] [illegible] دار [illegible]

از هر یک یکدرم قصب الذریره و [illegible] [illegible]

و [illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible] درم کوفته و بیخته

بعسل صاف معجون سازند شربتی یکدرم با ب گرم

8 این معجون مبارک نزلها باز دارد و درد
ساکن گرداند و نفث الدم و اسهال دموی و وجع
قولنج و بیضه و سیلان طمث را نافع باشد فلفل سفید
دار فلفل بزر البنج از هر یک بیست مثقال افیون ده مثقال
زعفران پنج مثقال تخم کرفس کوهی و سنبل الطیب از هر یک
چهار مثقال تخم کرفس نبطی سه مثقال زنجبیل هندی زنجبیل
حب بلسان عاقرقرحا فرفیون از هر یک مثقال و قرنفل [illegible]
شنجها بعوض تخم کرفس و قوت معجون [illegible] بکوبند و
بیخته بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربتی نیم مثقال از جهت قولنج در طبیخ [illegible] و از جهت درد
و از جهت درد معده در طبیخ انیسون و از جهت [illegible] با سکنجبین
و از جهت [illegible] در طبیخ [illegible] و از جهت نزف الدم در طبیخ
تمام

5

9

سعال نافع باشد [illegible] نزف الدم و اسهال
و [illegible] را قطع کند و جسم را قوت و منفعت [illegible] نماید
[illegible] بنشاند و دماغ را قوی گرداند و حار [illegible] کند
فلفل سفید [illegible] از هر یک [illegible] درم افیون و گل مختوم
از هر یک ده درم زعفران پنج درم فرفیون [illegible] از
هر یک [illegible] درم [illegible] از [illegible]
[illegible] از هر یک نیم درم کافور دانگی و نیم کوبند و بیخته بعسل معجون
نمایند و بعد از [illegible] ماه استعمال نمایند شربتی یک درم
وجع معده و جگر که سبب آن برودت باشد [illegible]
[illegible] را [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible]
[illegible] از هر یک دوازده درم تخم کرفس [illegible]
از هر یک چهار درم [illegible] پانزده درم فلفل [illegible] درم

عسل ایله وزن ادویه معجون ایده زند چنانکه گرمت
شربتی بکیدرم باب گرم وجع معده و
دستنبو قسطکابری زنبار نبود ورباح غلیظ را دافع
وطعام هضم کرداند فلفل دار فلفل از هر یک سه درم
زنجبیل ده درم حماما سنبل از هر یک ۵ درم زنجبیل
سعتر کرفس سیساالیوس سلیخه اسارون زرنباد هندی از
یکدرم عسل وزن ادویه طبری معهود معجون ایده زند
شربتی بکیدرم باب گرم استسقا و بردت معده و
وحمیات مزمنه و سعال بلغمی و ضیق نفس و قولنج و ریح دماغ و طحال و
وبهق و احتباس بول و احتقان رحم را دافع
هلیله زرد هلیله کابلی از هر یک سه درم فلفل دار فلفل
زنجبیل فلفل زنک هندی نمک سرخ نمک نفطی نمک اندرانی
ندرم ۹

نمک جمیز ان العصا قیرشطرج هندی سعد کوفی
خیربوا افرفه فرنبل صعتر زنک کابلی مغز شونیز جا انیسون
زیره کرمانی سنبل کرفس شبت خشک از هر یک بنجدرم
تربد سفید صد و پنجاه درم هلوکی خیار چنبر ده درم موبر مویز
نیم من بشت املج یلحی مویز و املج را در شش من اب بسیار نماید دو من
نیم بماند بستره اب الکند ولسه حرفانیند
ایدیبار اسیند و خیار چنبر دران اب حل کنند و سه مرفانیند
بیزرد ان الب بگذارند و نیم رون بحدبان بیان منبس
و بگوشند تا بقوام ایده باقی ادویه کوفته بیخته
بیسنشند شربتی بنجدرم باب گرم باب بحلب
اشف ص رعوبا دفع بعو مازریون عدد نادر بغو
پوست هلیله زرد از هر یک بنجدرم عصاره اسنین سه درم
تخم سوسن گل سرخ تخم کاسنی تخمسم بزرب انیسون

از هر یک ده درم سرکه‌ها و فلوس خیار چنبر و فانید
از هر یک پانزده درم عناب [illegible] بقوام آورند و بان ۳ درم
را کوفته و بیخته با آن سرشته شربتی از دو درم تا چهار درم
استعمال آن را که بان حرارت بود نافع باشد
مازریون مدبر غاریقون بوزیدان [illegible] زرد و بلیله از هر
پنجم درم ایرسا [illegible] درم ریوند چینی عصاره [illegible] سنبل
ایسون از هر یک دو درم بعسل معجون سازند شربتی ۳ درم تا چهار درم
منی زیادت کند و دماغ و کلیه [illegible] قوت دهد
نیکو کرداند و نسیان را نافع بود مغز بادام مغز جوز مغز حب الصنوبر
مغز چلغوزه مغز حب الزلم مغز فندق مغز پسته تا زنجبیل تازه
حب القلقل خشخاش سفید تودری بهمن کنجد مغز تخم
تخم پیاز تخم شلغم تخم [illegible] بهمنان زنجبیل دارفلفل
کبابه

کبابه دارچینی قرنفل قاقله خولنجان تخم [illegible] هلیون [illegible] دار
عسل سه وزن ادویه معجون سازند شربتی ۵ درم
کرده سوکرم و قوی کرداند و منی بیفزاید و بدن را فربه
[illegible] و باه زیادت کند و دل و دماغ را قوت دهد
فربه [illegible] و لون سرخ کرداند و اعصاب را محکم کند و
در امور جماع نظیر ندارد مغز پسته مغز فندق
مغز بادام مغز حب الخضرا مغز جوز مغز چلغوزه مغز حب الزلم
ماهی رو بیان نخود الوندی خولنجان شقاقل بهمن سرخ
و سفید تودری سرخ و زرد زنجبیل کنجد مغز [illegible] دارچینی از هر یک [illegible] درم
سنبل الطیب سعد کوفی قرنفل کبابه چینی حب القلقل [illegible] عاقرقرحا
اشتر غاز تخم ترب تخم پیاز تخم [illegible] اسپست تخم هلیون [illegible] فاعل
و [illegible] از هر یک ۳ درم [illegible] دار

دو درم خصیة الثعلب بارجیل تازه موسیر تخم گندنا گشنیز کبابه
از هر یک ده درم قضیب گاو بدیده نوزنجان بوزیدان نعناع
از هر یک چهار درم ماهی سقنقور اعرابی مصطکی از هر یک سه درم ... زنجبیل
عود خام دار فلفل ورق طلا عود ورق نقره نخاله ...
بمقدار شافی نیم مثقال سردی ان [illegible] طریق
شعار مگیرند این معجون از بانه باه را قوت دهد و نشاط آورد
و گرده و مثانه و دماغ را قوت دهد و منی بیفزاید و نعوظ تام آورد
صفت قرص بهمنی بوزیدان ... قضیب گاو
خشک کرده مغز حب الزلم مغز چلغوزه مغز حب الخضرا ... از هر یک
... فاقله کبار تخم شلغم دار فلفل
... تخم ... ورق گل ...
اسرون ... درونج ... عود خام مرداسنج ... از هر یک
پنج درم

پنج درم کهربا ... بسفایج ... ملوکی ...
زنجبیل سعد هندی زرنب تخم ... زرنباد مصطکی
... تخم ... سنبل هندی از هر یک سه درم
تودری سرخ و سفید از هر یک چهار درم ... پانزده
خصیة الثعلب زعفران از هر یک ... درم عنبر اشهب
سنبل الطیب از هر یک دو درم مشک ... یک درم ...
یاقوت زرد یک درم ورق ... معجون
قوت ... بلغم و وجع ظهر ...
... ده درم فاقله کبار ... دار چینی ...
... از هر یک پنج درم شکر سرخ ... سفید از هر یک صد ... معجون
... پنج درم ... نافع بود
... چهار درم ... پنج درم تخم کرفس ... از

هر یک سه درم بعسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم

خفقان را نافع باشد مغز بر دانه هر یکی کم

حب کاکنج از هر یک پنج درم حجر الیهود صلایه کرده پنجاه درم

بعسل سرشند شربتی دو درم تا سه درم حصات و لذغ

عقرب را نافع بود عقرب محرق سه درم و نیم خشخاش

بلدر و نیم زنجبیل یک درم فلفل دار فلفل از هر یک دو درم کاکنج

پنج درم و نیم جند بیدستر چهار درم بعسل معجون سازند

شربتی دانگ با آب تخم کرفس قرص کاکنج

دبول را نافع باشد بزر البنج تخم کرفس را

هفت درم مغز تخم خربزه تخم حماض افیون مغز جلغوزه

بریان کرده مغز فندق مغز بادام تلخ بریان کرده از هر یک

سه درم زعفران دو درم و نیم کاکنج بیخ سوس چهار درم

کوفته

9

کوفته به سپیده مرشند شربتی یک درم با حند نعنع

با ماء العسل یا شراب خشخاش نسخه محمد زکریا قولنج

واستسقاء طحالی و جمیع امراض زهیری را که با حرارت

نافع بود سرطان خشک پنج درم تا زرد

کاشم شونیز صعتر کرویا فطراسالیون مغز بادام

فلفل قسط دار فلفل زوفا خشک حب الغار جند

از هر یک دو درم جاوشیر سه درم سکبینج چهار درم صمغ

در شراب حل سازند و بعسل معجون سازند شربتی

وان را معجون ربو نیز گویند و از شراب محمد زکریا

النفس و سعال بلغمی را نافع بود زراوند مدحرج قرد مانا

فلفل کرسنه تخم سعتران اسقیل مغز بادام تلخ

از هر یک پنج درم رب السوس زوفا خشک

بعسل معجون سازند شربتی ۳ درم بطبیخ زوفا

مواد بلغمیه دفع کنند و بر بار بشکنند اسهال نخواه

کنند دفع دار حرسیاری بعسل معجون شربتی ۲ درم

قولنجی را در ساعت بگشاید فلفل دار فلفل

زنجبیل زیره کرمانی سداب خولنجان قرنفل از هر بیر

ده درم سقمونیا هفت درم عسل مصفا چهل درم

بطریق معلوم معجون سازند شربتی بیکمثقال

نزول ماء را نافع بود وج حلیب زنجبیل را

سائل بعسل معجون سازند شربتی بیکمثقال

سلس البول و سرعت انزال را نافع بود کندر بلوط

شونیز کندر [illegible] خشک از هر یک ده درم زیره کرمانی کرده یا نخواه

از هر یک یک درم [illegible] هلیله [illegible] بلیله [illegible] درم [illegible]

۲ درم

---

۳ درم عسل ۳ وزن اندر بطریق معمول معجون سازند

شربتی [illegible] صباح و [illegible] در [illegible]

[illegible] نظیر [illegible]

[illegible] هلیون [illegible] خلنجان قلقل

[illegible] بوزیدان قسط شیرین زنجبیل [illegible] لسان العصافیر

شقاقل [illegible] دار فلفل حلبت [illegible] قرنفل بعسل معجون

شربتی ۳ درم [illegible] ده درم [illegible] شراب [illegible]

قوت دهد [illegible] نافع بلادر [illegible] از هر یک ده درم

صبر [illegible] سنبل [illegible] زرآوند

زعفران دارچینی مصطکی از هر یک [illegible] قسط [illegible] سداب

فلفل [illegible] از هر یک [illegible] عسل [illegible] بطریق معهود معجون

قولنج را نافع بود زنجبیل [illegible] از هر یک [illegible] درم

سقمونیا ده درم خرما دانه بیرون کرده مغز بادام هر یک سداب
از هر یک شصت درم خرما را در سکر خوب شب بخیسانند روز
دیگر بسایند و با دیگر کوفته و بیخته و نیم عسل صاف معجون
سازند شربتی سه درم تا چهار درم سبزرو عنبر صلابت
ورم معده و کلیه و مثانه را نافع بود و سده بگشاید
جنطیانا رومی و ملک سیاه از هر یک ده درم فطراسالیون سنبل
ریوند چینی از هر یک سه سنبل عسل سه وزن آن ادویه معجون زنند
شربتی دو درم با آب سداب وجع معده و جگر را که از سبب
آن برودت بود نافع بود استسقا را نافع بود انیسون
تخم کرفس انیسون رومی مغز بادام تلخ مروی کوفته با سه چند آن عسل
سرشته شربتی دو درم که از جهت ضعف معده نافع بود
طباشیر پوست سنبل دانه غوره از هر یک و مصطکی سرخ
سه درم

سه درم نعناع خشک پوست برون پسته پوست ترنج پوست هلیله
زرد از هر یک بهمن سرخ و سفید صندل سرخ و سفید و صعتر و
کشنیز خشک بریان کرده و حب الآس از هر یک ده درم کوفته و
بیخته با شراب فواکه معجون سازند شربتی دو درم اسهال سودا
و بلغم و اعراض کند او و بلغم را نافع باشد
هلیله سیاه پوست بلیله پوست هلیله کابلی آمله فستق افتیمون از
هر یک ده درم بسفایج فستق اسطوخودوس تربد سفید از هر یک
پنج مثقال کوفته و بیخته بعسل صاف سرشته معجون سازند شربتی
پنج مثقال تا هفت معد اسهال صفرا و بلغم باشد و نمک
پنج مثقال تربد سفید چهل درم بنفشه سی درم نمک هندی
رب السوس از هر یک هفت درم رازیانه انیسون مصطکی از هر یک
پنج درم عسل چهار چند صد درم روغن بادام چهل درم

22

قند و عسل از هر یک صد مثقال مغز خیار چنبر عود در اول

و قند حل کند و ادویه کوفته بروغن بادام چرب سازند

و در دیگ سر بسته بنه دمتی از پنج مثقال تا هفت مثقال

مسهل بلغم و صفرا باشد و دفع درد مفاصل و نقرس و عرق

سور ریحان شقاقل سعلب ماهی زهره زنجبیل کرما دانه لبوب

پنج لبوب شیطرج هندی بوزیدان از هر یک سه درم بهوت

بلیله زرد هفت درم تخم کرفس نمک هندی برنج هاد

قلفل سفید لالانم صعتر از هر یک سه مثقال گل سرخ زنجبیل

کشنیز خشک از هر یک سه درم تربد سفید با سه درم روغن بادام

چهار درم و عسل صاف شده ادویه پنج درم شربتی یک مثقال

تا هفت مثقال معده پاک سازد و اشتها طعام

اورد و باه را قوه دهد صعتر روغنا نا نخواه مقشر

12

شونیز زیره کرمانی از هر یک پنج مثقال فرح سیاه

زرانام زنجبیل جوز بوا تخم کرفس از هر یک سه مثقال حاشا

دو مثقال عسل سه وزن ادویه معجون سازند

وجع ظهر و مفاصل و سرعت انزال را نافع بود و باه را قوت

دهد و معده را پاک سازد و درد دفع کند و موی را ... سفید

شدن باز دارد گل سرخ سعد عود قرنفل فلفل

مصطکی زرنباد زعفران قاقله جوز بوا عسل و قند

منصف نعد اجتماع قند را در گلاب بگداز ند و ... بقوام

ادرند ادویه کوفته و بیخته با آن سرشند لقوه و رعشه

ورعشه و فالج و ریح البواسیر بهتر بود و برمرا نافع بود و معده

قوه دهد و اشتهای طعام آورد رستم دفع کند ... بنیزد اید ...

... اندر حرارت غریزی بر فرود آرد و ... نفخ ... مفید با

سیر پیاز کی ده پنج در یکمن شیر گاو بزنند تا مهرا شود

و سه چهار درم عسل و دو درم روغن گاو بر سر شکم بنهند تا [illegible]

ممزوج زنند و از آتش فرو گیرند و داده بر [illegible] خواهد

کوفته و بیخته بدان سرشند فرزجه حمول بواسیر [illegible]

فایده کند روغن بلیله کابلی دارچینی زنجبیل از هر یک ده درم

[illegible] و زعفران از هر یک پنج درم شربتی مثقال یک [illegible]

بواسیر و اورام مقعد را نافع باشد [illegible] بگشاید و خون را

از مقعد باز دارد   پوست بلیله کابلی پوست بلیله املج

سفید [illegible] کنند [illegible] از هر یک پنج درم مقل پنجاه درم مقل را در آب

کنند تا حل شود و ادویه کوفته بدان سرشند شربتی دو درم ضعف

بواسیر را نافع بود   پوست بلیله کابلی پوست بلیله املج [illegible] از

ده درم [illegible] مصطکی از هر یک هفت درم

مدر

13

[illegible] ده درم [illegible] درم کوفته و بیخته [illegible] معجون

زنند شربتی سه درم   اورام صلبه معده و جگر را نافع

ریوند چینی زنجبیل اسارون [illegible] از هر یک [illegible]

[illegible] از هر یک [illegible] کوفته و بیخته [illegible]

معجون زنند شربتی مثقالی یک فندق   مصروع را نافع

پوست بلیله کابلی پوست بلیله زرد پوست بلیله املج [illegible]

از هر یک ده درم [illegible] پنجدرم [illegible] سه درم مویز منقی [illegible]

ادویه کوفته و بیخته با مویز کوفته معجون زنند شربتی پنجدرم

همین خاصیت دارد   [illegible]

ده درم [illegible] پنجدرم [illegible]

[illegible] درم کوفته و بیخته بسکنجبین [illegible] معجون زنند شربتی [illegible]

[illegible] را نافع باشد   [illegible] ده درم

فلفل زنجبیل از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل سرشته

شربتی یک مثقال که رفتن بیرون را نافع بود مکان حجر ده درم

کندر بلوط از هر یک بیست درم سعد و کرویا از هر یک پنج درم کوفته

و بیخته بعسل معجون سازند هم این منفعت دارد مقعد بود

هفت درم کندر دو درم خصیة الثعلب دار فلفل از هر یک یک درم

بعسل معجون سازند شربتی یک درم سورنجان ده درم سنا مکی پنج درم

[illegible] زیره کرمانی دار فلفل از هر یک دو درم کوفته و بیخته

بعسل معجون سازند شربتی مثقال با آب گرم در اطریفلات کنند

بواسیر را نافع بود و لون را خوب گرداند و باه را زیاده

و معده واسع و مثانه را قوة و بهد و طعام هضم زود

هلیله سیاه پوست بلیله پوست هلیله کابلی آمله سی فلفل دار فلفل

از هر یک سی درم زنجبیل بوزیدان شاطرج هندی قاقله نوخود بهمن

[illegible]

[illegible] منزجب القلقل کنجد مقشر خشخاش سفید بهمن

از هر یک یک درم کوفته و بیخته بروغن بادام یا گاو چرب کنند

و بعسل سرشته و بعد از سه ماه استعمال می کنند [illegible]

معده و بواسیر را نافع بود و ذهن را صاف سازد و لون

نیکو گرداند پوست هلیله کابلی پوست بلیله پوست هلیله زرد

هلیله سیاه آمله مقشر مساوی کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند

و با سه برابر عسل سرشته شربتی دو درم معده را قوة

دهد و بخارات معده را دفع کنند پوست هلیله کابلی پوست بلیله

هلیله سیاه آمله مقشر گشنیز خشک مساوی کوفته و بیخته بروغن گاو

چرب کنند و با سه مقدار عسل سرشته و بعد از سه ماه استعمال نمایند

جهت بواسیر عظیم نافع باشد پوست هلیله کابلی پوست بلیله [illegible]

آمله مقشر گشنیز خشک مساوی کوفته و بیخته بروغن گاو و [illegible]

وماسه مقدار ان عسل سرشته کنند و بعد از ۱۴ ماه استعمال نمایند
معده را قوت دهد و بخار را دفع کنند پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد
هلیله سیاه املج شیر خشک حب الاس کوفته و بیخته تر د عسل کهنه و
چرب کنند و با سه مقدار ان عسل سرشته و بعد از ۶ ماه استعمال نماید
جهت بواسیر عظیم نافع باشد پوست هلیله زرد
املج مقشر از هر یک ده درم سنبل ۷ درم مقل را در آب کنند تا بگدازند
عسل صاف نمایند و بجوشانند تا بقوام آید و دارو در او کوفته
و بیخته با آن سرشته کنند طبع را نرم کند
و بواسیر را نافع بود پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد
پوست بلیله هلیله سیاه املج مقشر افتیمون اسطوخودوس از هر یک ده درم
تربد سفید هفت درم سنبل و فلوس خیار چنبر از هر یک سه درم مقل
فلوس را در آب کنند تا حل کنند و با عسل بقوام آورند و دارو در کوفته
[illegible] بو فرزد در کند

امراض

و بیخته بروغن بادام چرب کنند و معجون سازند
سوداوی را عظیم نافع بود و سیاهی موی را محافظت نماید
پوست هلیله کابلی پوست بلیله املج از هر یک ده درم سنا مکی تربد سفید و
افتیمون از هر یک پنج درم شیطرج هندی سه درم بسفایج [illegible]
انیسون و نمک هندی از هر یک دو درم کوفته و بیخته با عسل سرشته
[illegible] بیشتر کنند تا چهار ماه در امراض حادث اعضا غذا [illegible]
پاک کند و فضول از دماغ فرود آورد و باه را قوت دهد و ثقل لسان [illegible]
و معده و سستی اعضا و اوجاع مفاصل و قولنج را نافع باشد
سنبل [illegible] حب [illegible] مصطکی [illegible]
زعفران از هر یک جزوی [illegible] وزن مجموع [illegible]
درم بعسل [illegible] صرع و مالیخولیا و فالج و سکته
و رعشه و لقوه و تشنج و جذام و داء الفیل و برص و بهق

و قوبا و صعفه و صداع و شقیقه و دوار و صمم و شهوة
کلبی و عسر النفس و وجع کلیه و مثانه و نقرس و مفاصل و عرق النسا
و وجع اذن و داء الثعلب و داء الحیه و قروح خبیثه و احتباس
طمث را نافع باشد و این مسهل مبارک است و اسهال او
در جهت بلغم   نسخه حنظل سقمونیا صبر از هر یک پانزده درم
بصل الفار شش درم افیتمون غاریقون خربق سیاه از هر یک
ده درم حاشا ده درم فراسیون بسفایج سکبینج از هر یک
هفت درم قرنفل سنبل دار فلفل سنبل زعفران دار چینی فطراسالیون
مر از هر یک چهار درم جاوشیر سکبینج عصاره افسنتین اسطوخودوس
کمادریوس سقوردیون از هر یک پنج درم زنجبیل جند بیدستر زراوند
طویل جنطیانا مازریون از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل مصفی سرشته و بعد از
شش ماه استعمال نمایند شربتی چهار درم تا یک درم در نسخه اطباء عمل ماء افیتمون
ایارج

لقوه و فالج و تشنج و استرخا و مثانه و سلس البول و
امراض بلغمی و سوداوی را نافع بود و اخلاط غلیظ و لزج از
بدن پاک سازد   نسخه حنظل غاریقون بصل الفار شش
سقمونیا خربق سفید فرفیون میوه غاریقون از هر یک پانزده درم
بسفایج کمادریوس افیتمون سکبینج از هر یک هفت درم مر سکبینج
زراوند طویل مدحرج فلفل سفید سیاه دار فلفل دارچینی جاوشیر
و جند بیدستر فطراسالیون از هر یک چهار درم کوفته
بعسل مصفی سرشته شربتی چهار مثقال   در اقراص عمل بیانه
لوچک بسته بندد در خمیر گیرند و در تنور نهند تا پخته شود و بعد از
آن مغز آن که نرم شده باشد بگیرند در هاون بکوبند و بور
آن از دیگر سنا افزون نمایند و با قدری شراب سرشته قرص
بر روغن هیل ارام یا روغن گل چرب کنند و اقراص سازند
و بعد از ده ماه استعمال نمایند

بدانکه انواع افعی بسیارست وانکه در تریاق فاروق
مستعمل است اشقر باید زیرا که سیاه تخت تر تیزتر تاکست
و زهر آن بد باشد و سفید ضعیف بود و اشقر معتدل و
جوان و تن درست باید و نشان جوانی آنست که حرکات
او بقوت بود و سریع الحرکت باشد و نشان تن درستی و قوت
او آنست که سر افراشته دارد و چشمهای او سرخ بود
و دلیر باشد و ماده باید نه نر زیرا که ماده زهر او ضعیف تر از نر
باشد و نشان ماده آنست که در دهن او چهار دندان
زهر باشد که از نیش دندان کو نهند از هر جانبی دو دندان
و نر را یک باشد مخرج ثقل او و فرج او بهم نزدیک بود و نشان
دراز نباشد و نیز باید که پوست شکم او صلب باشد زیرا که
صلابت علامت آن نبود که در بدن او رطوبات فضلیه کمترست و نرم
سمین

پس سمین باید زیرا که سمین علامت قوت و صحت بود و صماخ
فصل بهار باید گرفت در اوقات سوره باشد و اگر بهار طبع
زمستان داشته باشد در آخر بهار یا در اول تابستان باید
گرفت تا قوی گردد و ماوای او در میان درختان نباشد چه در
خرنوب و بلوط و بان نزدیک باشد مر در زمانی شود نیابد بلکه در حجر
باید گرفت و شرط آنست که در محل گرفتن او را بگیرند نه تشنه
تا اضطراب بسیار نکنند و خشم او زیاده نگردد و نیز تشنه و بیمار نشود
و گرفتن او چنان باید که مقدار چهار انگشت از سر و دنبال او ببرند
ضرب قطع کنند به تیشه تیز چنانکه قطعها هیچ پوست بر او
نماند و یک ضرب جدا شود زیرا اگر زهر در دهان و جانب سر او
باشد و فضول رطوبت در جانب دنبال چون کشته باشد نظر کنند
اگر از دخول ... باشد ...

از قلت فرو ایستد ضعیف بود بدین کارش بدو انگیزه

این کار باشد شکم او شکافند و پاک کنند و پوست او باز کنند

و او را باب صاف چند بنوبت بشویند پس در آب صاف و اندک

نمک پاشند و بخم چوب شیب بکوبند تا مهرا شود و گوشت

و استخوان جدا کرده و بگذارند تا سرد شود و آب از وی بپالایند

و آن گوشت را با چهار یک وزن آن نان سفید پاکیزه بریان

کرده بکوبند و بآن آب که از آن پالوده باشند بسرشند و دست

و بینی را بروغن بلسان چرب کرده اقراص زنند [illegible] در سایه

خشک کنند چنانکه قطعا اثر نم در ان نماند و در ظرف آبگینه نگاه

دارند و اگر در محل بیختن افعی و کوفتن قرص [illegible] نیز

بگیرند تا بوی او بدماغ نرسد   مستعمل در تریاق فاروق

دار شیشعان قصب الذریره اسارون عیدان فو سلیخه

مصطکی از هر یک شش [illegible] فقاح

فقاح اذخر زعفران از هر یک دوازده مثقال دار چینی و حماما از هر یک

بیست و چهار سعد قیصوم [illegible] کوفته و بیخته بشراب ریحانی

بسرشند و دست را بروغن بلسان چرب کرده اقراص زنند و در سایه

خشک کنند چنانکه قطعا اثر نم در ان نماند   مستعمل در

مثرودیطوس   مویزج چهار درم علک البطم [illegible]

مر اذخر از هر یک دوازده درم دار چینی [illegible] سنبل الطیب [illegible]

سلیخه اکلیل الملک سعد حب الغار از هر یک سه درم قصب الذریره

شش درم زعفران یک درم قفر الیهود دو درم و نیم کوفته و بیخته بشراب

بسرشند و اقراص زنند   مر در [illegible] الکبیر مستعمل است

دار شیشعان حماما قسط تلخ قصب الذریره قرنفل فلفل ابیض نانخواه

از هر یک سه مثقال [illegible] سنبل الطیب فوج هندی از هر یک

هفت مثقال دار چینی مصطکی زعفران از هر یک شش مثقال کوفته و بیخته

بشراب صاف بسرشند و اقراص سازند قرص یک مثقال در سایه خشک کنند

معده ضعیف را قوه دهد و نگذارد دیگر فضول بدان منصب شود منفعت

شود و چون بر پشت طلا کنند صداع را نافع بود و سکر را منع الادرار

کنند و چون بار زد با نان بیامیزند و بر دندان کرم خورده نهند درد

ساکن گرداند و چون با بیرزنجوش در گوش چکانند درد سعال

و نفث الدم و سیلان خون از رحم و ضیق النفس را نافع بود و چون با برزنکوش بسرشند و بر سر طلا کنند

منع سعال و نفث الدم و سیلان خون از رحم و ضیق النفس را دارد و

مفید بود و چون با سرکه مخلوط سازند و سموم و لدغ هوام را نافع باشد

و اگر بشیر لبن بسرشند اسهال دموی و قروح امعاء و ناسور را سود بخشد

مرجند بید ستر سنبل سلیخه گل مختوم پوست بیخ لفاح از هر یک چهار درم

افیون زعفران قسط کزبرة الارض بزر البنج بوطیلی کندر از هر یک

پنجدرم افیون دو و نیم بسرشند مقدار نخودی بخورند

الله اعلم

۱۶۱

۱۹

از هر یک هشت درم صمغ عربی را در شراب ریحانی حل کنند و بعد

ادویه را کوفته و بیخته با آن بسرشند و اقراص سازند

قرص یکدرم و در سایه خشک کنند سرفه و خشونت

سینه و التهاب حرارت را نافع بود و طبع نرم کند و تشنگی

بنشاند طباشیر سفید چهار درم ترنجبین سه درم گل سرخ

مغز تخم کدو مقشر صمغ عربی صحیح کثیرا از هر یک یکدرم بلعاب بزرقطونا

سرشته اقراص سازند حمیات صفراوی و عطش و اسهال

دموی و صفراوی را نافع باشد گل سرخ بانوا درم

صمغ عربی نشاسته تخم خرفه طین ارمنی از هر یک دو درم طباشیر

سفید سماق زرشک منقی از هر یک هفت درم کوفته و بیخته

بکلاب سرشته اقراص سازند اسهال دموی و افراط

خون بواسیر و طمث و قی الدم را نافع بود

بسد مروارید ناسفته تخم خرفه از هر یک پنجدرم شاه‌بلوط
بزرقطونای سوخته پوست بیضه سوخته صمغ عربی از هر یک سه
درم کشنیز خشک بریان تخم حماض سفید و سیاه از هر یک
شش درم ودع سوخته و بزر البنج از هر یک دو درم بلوط بزر قطونا
اقراص سازند   خون رفتن شکم باز دارد   سلخ مل از امر
صمغ عربی از هر یک چهار درم گل سرخ گلنار اقاقیا از هر یک
سه درم کشنیز دو درم با آب گلنار اقراص سازند   درد معده
وجگر و حمیات بلغمی و استسقا را نافع باشد   عصاره زرشک
مورد خیار زه بادرنگ سه درم از هر یک سه درم گل سرخ و برگ کاسنی از هر یک
شش درم تخم کشوث لب اسپرک طباشیر تخم کاسنی مصطکی اصل السوس
عصاره غافث نوره لک مغسول ریوند چینی از هر یک دو درم زعفران
نیم درم به آب برگ کاسنی اقراص سازند   زرشک مس پانزده درم
تخم کاسنی

تخم کاسنی تخم خرفه مغز تخم خیار زه از هر یک سه درم
گل سرخ پنجدرم ریوند چینی سنبل از هر یک یک درم با آب برگ قطونا
اقراص سازند   زرشک پنجدرم لک مغسول ریوند چینی
عصاره غافث سنبل انیسون مصطکی از هر یک یک درم با آب خالص
اقراص سازند   زرشک پنجدرم رب السوس یک درم تخم خیارین
تخم کاسنی از هر یک ده درم با گلاب اقراص سازند تب‌های
سکنجبین و لب کاسنی و آب عنب   درم و صلابت جگر و سپرز و تب‌ها
کهنه را نافع بود   ریوند چینی شش قوه و لک مغسول از هر یک سه درم
تخم کرفس انیسون و عصاره غافث از هر یک یک درم با آب خالص اقراص
سازند   ریش سینه و شش را نافع بود   گل سرخ صمغ عربی
از هر یک چهار درم ریشه بیخ رب السوس از هر یک دو درم حمیص سفید و
از هر یک سه درم زعفران نیم درم طباشیر پنجدرم با آب خالص اقراص سازند

شربتی بلعوق باده معدل شراب حماض کشند معده را قوت دهد

و حمیات بلغمی را نافع بود   گل سرخ ده درم لعل الرک عصارهٔ غافث

افسنتین از هر یک چهار درم مصطکی سنبل اسارون عود خام اذخر

از هر یک یک درم بگلاب اقراص سازند   شطر الغب را نافع بود و معده

قوی گرداند   گل سرخ لعل الرک از هر یک چهار درم طباشیر سنبل

از هر یک دو درم ریحان سه درم بگلاب اقراص سازند   یرقان سده

بار و جگر و سپرز و تب ربع و تبهای کهنه را نافع بود و سده بگشاید

عصارهٔ غافث شش درم سنبل ده درم طباشیر سفید چهار درم

بالبت صاف اقراص سازند   قروح کلیه و مثانه و بول الدم را نافع بود

مغز تخم خیار بزرگ حب القلقل مغز بادام مغز ... صمغ عربی

دم الاخوین کثیرا کندر از هر یک ده درم ... درم افیون یک درم با آب

اقراص سازند شربتی یک درم با ...   استسقا ... را نافع بود

صح

۲۱

شش درم و هلیله زرد مساوی کوفته و بیخته قرص زنند

شربتی دو درم با سکنجبین و بتدریج می افزایند   حمیات بلغمی و عسر بول

و ... جگر را نافع بود و سده طحال و کبد بگشاید   اسهال

اسارون مغز بادام مساوی بآب خالص اقراص سازند شربتی

ورم صلب جگر و معده را نافع بود   سنبل نعناع اذخر ...

ریوند چینی قصب الذریره از هر یک سه درم زعفران ...

فلفل از هر یک یک درم مقل مصطکی از هر یک دو درم اشق مقل را

در شراب حل کنند و ادویه دیگر کوفته و بیخته بدان سرشند

و قرص زنند شربتی دو درم جهت ورم معده با سکنجبین ...

ورم کبد با سکنجبین   اوجاع طحال را نافع بود و سده بگشاید

پوست بیخ کبر دانق از هر یک چهار درم زراوند طویل ... درم

... و فلفل از هر یک شش درم اشق ... در سرکه حل کنند

سازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن سرشته و اقراص کنند

سپرز صلب را نرم سازد   ایرسا چهار درم فلفل سفید

و دانق از هر یک پنج درم انیسون دو درم [illegible] صمغ و باقی ادویه را کوفته

و بیخته با آن سرشته و اقراص سازند شربتی پنج درم با سکنجبین

سده بگشاید   تخم [illegible] کاسنی تخم [illegible]

هر یک ده درم ساده کوفته و بیخته به سکنجبین سرشته و اقراص سازند

طحال [illegible] نافع بود   [illegible] دوازده درم پوست [illegible]

زروند طویل از هر یک ده درم سکنجبین سرشته اقراص سازند و [illegible]

استسقا نافع باشد   معده را قوت دهد و طعام را هضم کند [illegible]

مر [illegible] مصطکی از هر یک سه درم قاقله سنبل [illegible] از هر یک ده درم

عود خام قرنفل پوست ترنج از هر یک پنج درم زعفران جوزبوا [illegible]

دارفلفل از هر یک یکدرم قند سفید بوزن الجمله درا اقراص زند

[illegible]

22

نی و حیض باز دارد   کندر سه درم قرنفل پنج درم کبابه [illegible]

[illegible] از هر یک پنج درم مصطکی کافور از هر یک [illegible] یکدرم کوفته

و بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال با ده درم شراب انار [illegible]

و جلاب آورد   قرنفل ده درم سنگ [illegible] از هر یک پنج درم مصطکی

افیون پوست بیخ [illegible] از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند

اسهال و سعال و نفث الدم را نافع باشد   حب الآس [illegible]

از هر یک پنج درم گل مختوم و صمغ عربی از هر یک ده درم کهربا [illegible]

سه درم با آب [illegible] سازند   [illegible] الدم را نافع باشد [illegible]

ده درم کندر [illegible] صمغ عربی از هر یک چهار درم کثیرا و گل مختوم [illegible]

سه درم [illegible] یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی [illegible]

تب با سرفه را نافع باشد   [illegible]

[illegible] گل سرخ از هر یک پنج درم رب السوس [illegible]

سه درم مصطکی [illegible] یکدرم کوفته [illegible]

و اقراص سازند [illegible]

دشواری وضع حمل را آسان گرداند و بچه

زنده و مرده را در ساعت بیرون آورد [illegible]

سکبینج از هر یک یکدرم حلتیت نیم درم مجموع یک شربت

باب سداب با طبیخ حلبه دهند بخیر آنها نیز همین عمل کند

معده را قوت دهد دق و استسقا را بر دارد

گل سرخ طباشیر انار دانه کشنیز خشک برگ ریحان از هر یک [illegible]

پوست بیرون پسته مصطکی از هر یک نیم [illegible] [illegible]

[illegible] بعد از آن اقراص سازند [illegible] استسقا [illegible]

جگر را نافع بود لک مغسول [illegible] از هر یک یکدرم

را [illegible] دو قوت از هر یک [illegible]

اقراص سازند تب دق [illegible] و حمیات حاده دیرینه

و عطش را نافع بود گل سرخ [illegible] از هر یک [illegible] درم طباشیر

سوم

معر [illegible] از هر یک [illegible] درم و نیم [illegible] درم و نیم

معر [illegible] درم [illegible] درم معر [illegible] درم

رب السوس [illegible] کافور [illegible] اقراص سازند اسهال

[illegible] و افراط [illegible] را نافع بود [illegible] درم

گل سرخ [illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible]

گل ارمنی [illegible] طباشیر رب السوس از هر یک دو درم اقاقیا یکدرم و نیم

باب [illegible] و اقراص سازند سل و دق و نفث دم را نافع بود

گل مختوم گل ارمنی [illegible] گل سرخ از هر یک شش درم سرطان [illegible]

ده درم کتیرا طباشیر [illegible] [illegible] از هر یک [illegible] درم رب السوس

[illegible] درم باب [illegible] اقراص زنند [illegible]

[illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible] صمغ عربی [illegible]

از هر یک یکدرم [illegible] اقراص سازند [illegible]

طباشیر رب السوس از هر یک ده درم کتیرا یک درم

تخم خرفه پانزده درم گل سرخ [illegible] از هر یک پنجدرم

انار دانه صندل سفید گل ارمنی گلنار از هر یک سه درم کافور نیم درم

بعلاب اقراص زند شربتی سه درم با آب انار ترش

استسقا زرد را اگر با آن حرارت باشد نافع بود [illegible]

درم مازریون [illegible] عصاره غافت از هر یک یک درم

چهار دانگ گل سرخ [illegible] تخم خیار از هر یک سه درم و نیم کوفته

بیخته مجموع را ده قرص سازند و هر روز یکی قرص بدهند

اسهال دموی و معوی را نافع بود مازو خرنوب [illegible]

گلنار از هر یک یک جزو افیون صمغ عربی از هر یک نیم جزو کوفته بیخته

اقراص سازند شربتی دو درم با رب [illegible] حیض براند و تسهیل

ولادت مر سه درم ترمس پنجدرم سداب [illegible]

24

[illegible] از هر یک

دو درم اقراص سازند شربتی دو درم بطبیخ اهلیل [illegible]

دو درم زعفران مرزنجوش [illegible] از هر یک دانگ افیون [illegible]

[illegible] اقراص سازند شربتی [illegible]

با قلا مغز تخم خرفه کافور از هر یک یک درم افیون [illegible]

بلعاب [illegible] اقراص سازند [illegible]

و خناق [illegible] از هر یک ده درم [illegible]

انار [illegible] از هر یک پنجدرم افیون دانگ [illegible] اقراص زند

شربتی یکدرم و نیم صداع و شقیقه و سهر را نافع بود

چون [illegible] طلا کنند افیون مصری [illegible]

لادن کافور زعفران مرزنجوش [illegible] از هر یک

پنجدرم [illegible] گل ارمنی از هر یک ده درم

بقلاب و آب کاسنی اقراص سازند سه پهلو با از اقراص دیگر
ممتاز باشد   اکله دهن و لثه را نافع بود و عفونت
دفع کند   زرنیخ زرد و سرخ و آهک آب ندیده و مازو
از هر یک دو درم زنگار و قلقطار از هر یک یکدرم شب یمانی
اقاقیا گلنار از هر یک سه درم کوفته و بیخته که خوب باشد و بسرکه
در آفتاب بگذارند بعد از آن اقراص زنند در سایه خشک
کنند و در وقت احتیاج دانگی از آن در [illegible] و [illegible]
[illegible] بگذارند بعد از آن روغن گل قدری در دهن نگاه
دارند   در حبوب مسهله و غیر آن   دماغ را از عفونت [illegible] و علیه
از فضول و اخلاط بلغمیه پاک کنند و صرع و سکته و امراض
نافع باشد   ایاره فیقرا و تربد سفید از هر یک یکدرم
حب النیل و غاریقون و افسنتین از هر یک نیم درم شحم
حنظل

شحم حنظل و نمک هندی از هر یک دانگی و نیم کوفته
و بیخته با آب [illegible] سرشته حب زنند   اوجاع مفاصل
و نقرس و فالج و لقوه را نافع بود   صبر سقوطری بلیله
تربد سفید یکدرم و نیم حب النیل و غاریقون از هر یک نیم درم
حنظل دانگی و نیم نمک هندی مقل کتیرا انیسون از هر یک دانگی
با آب کرفس حب زنند   اوجاع مفاصل و وجع ظهر را
نافع بود   ایاره فیقرا تربد سفید ماهی زهره از هر یک
یکدرم سورنجان پوست هلیله زرد غاریقون
انیسون از هر یک نیم درم سقمونیا کتیرا شحم حنظل از هر یک
دانگی با آب [illegible] حب زنند   وجع معده و وجع [illegible]
با صداع [illegible] را نافع بود   صبر سقوطری سه درم پوست
هلیله زرد ورق گل سرخ مصطکی تربد سفید از هر یک
یکدرم سقمونیا نیم درم

باب خالص حب زند شربتی یکمثقال مادهٔ سودا

در وقت خواب فرو برند و بخوابند اما [illegible]

افتیمون اسطوخودوس بسفایج نمک هندی غاریقون

از هر یک نیم دانگ تربد سفید نوبت هلیله زرد تخم حنظل از

سقمونیا از هر یک دانگ باب خالص حب سازند

از جهة تصفیه باه نافع بود اما [illegible] تربد سفید از

هر یک مکرم حب النیل افتیمون از هر یک نیم درم تخم حنظل غاریقون

عاقرقرحا خصیة الثعلب از هر یک دانگی و نیم محموده دیگر از هر یک

دانگی بعد از آن حب سازند اما [illegible] تربد سفید غاریقون از هر یک

یکدرم تخم حنظل حب النیل سکبینج از هر یک دانگی و نیم اسطوخودوس

بوزیدان از هر یک نیم درم [illegible] باب حب زند [illegible]

تربد سفید غاریقون از هر یک یکدرم اسطوخودوس بوزیدان [illegible]

از هر یک

از هر یک نیم درم تخم حنظل مصطکی از هر یک دانگی محموده نیم [illegible]

باب [illegible] حب سازند دفع فضلات غلیظ کند و صداع

و اوجاع عصبانی را نافع بود صبر سقوطری عصاره افسنتین مصطکی

از هر یک یکمثقال تخم حنظل و سقمونیا از هر یک نیم درم باب [illegible] حب سازند

شربتی یکمثقال فالج و استرخا و اوجاع مفاصل و عرق النسا و وجع

ظهر را نافع باشد [illegible] را دافع نوبت هلیله زرد ده درم صبر سقوطری

بیست درم [illegible] و دار فلفل از هر یک یکدرم خردل سه درم شاهترج نمک هندی

تخم حنظل [illegible] از هر یک دو درم [illegible] چهار درم باب [illegible] حب سازند

شربتی سه درم فالج و لقوه و [illegible] و وجع مفاصل وجع ظهر [illegible] را نافع باشد

[illegible] غلیظ را دفع کند سکبینج اشق جاوشیر مقل [illegible]

[illegible] حنظل صبر سقوطری تربد سفید نوبت هلیله زرد [illegible] مجموع [illegible]

[illegible] کنند [illegible] حب سازند [illegible]

[illegible] درم

ببرد از معده و بلغم و اخلاط غلیظ پاک سازد

پوست هلیله کابلی شش درم اطریفل صغیر اسارون غاریقون از هر یک

سه درم اسارون ابزن کرمانی کرفس از هر یک دو درم

هفت درم افتیمون یکدرم ایارج فیقرا سه درم قرنفل یکدرم

ده درم فانیذ را در آب بکر ... دو درم سقمونیا در آن حل شد

وا دویه کوفته و بیخته بآن سرشته حب سازند

جهت دوا نافع باشد صبر سقوطری دو درم پوست هلیله زرد ده درم

تربد مصطکی سقمونیا زعفران از هر یک سه درم گل سرخ یکدرم بگلاب

حب سازند شربتی دو درم غاریقون و شحم حنظل سقمونیا نافع بود

ایارج فیقرا سه درم غاریقون دو درم شحم حنظل یکدرم

چهار درم تربد سفید هفت درم جاوشیر بلیله پوست دو درم سقمونیا

بلیله یکدرم بآب کرفس حب سازند شربتی یکدرم

یکدرم

یکدرم ریوند چینی نیم درم غاریقون فرفیون زراوند

زراوند طویل از هر یک دو دانگ و نیم نعل الهیرد تخم انجره از هر یک

فرفیون به روغن گل چرب نمایند و ادویه را کوفته و بیخته

بآب خالص حب سازند حب مقل ... مقل ایارج فیقرا

از هر یک یکدرم غاریقون اسارون ریوند چینی افسنتین

تخم انجره از هر یک نیم درم نمک هندی دانگی مقل دو دانگ بآب

حب سازند مصطکی دو درم پوست هلیله زرد تربد سفید

از هر یک یکدرم نمک هندی از هر یک نیم درم کرفس از هر یک نیم درم محمودی

سقمونیا دانگ و نیم بآب خالص حب سازند تربد یکدرم غاریقون

ایارج فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگ هلیله سیاه شیطرج

از هر یک دانگ سقمونیا مقل ازرق از هر یک دانگ بآب حب سازند

تربد یکدرم و نیم ایارج فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگ

سورنجان نیم درم ماهی زهره زنجبیل از هر یک سه دانگ محموده مقل
از هر یکی دانگی باب حب زند ترید سفید یکدرم بوست
هلیله کابلی غاریقون از هر یک نیم درم صبر چهار دانگ [illegible]
دو دانگ مقل دانگی محموده نیم دانگ باب حب سازند ترید یکدرم
غاریقون ایارج فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگ قنطوریون
و بسفایج [illegible] عصاره افسنتین از هر یک سه دانگ تخم حنظل و
سقمونیا از هر یک [illegible] مقل و انیسون مصطکی از هر یک دانگی باب [illegible] رازیانج
ترید یکدرم چهار دانگ افتیمون نیم درم عصاره غافث و
عصاره افسنتین از هر یک دانگی نیم تخم حنظل [illegible] انیسون مصطکی
از هر یک دانگی باب حب زند ترید مجموع [illegible] سورنجان نیم درم
تخم حنظل حب النیل نمک هندی زنجبیل محموده از هر یک دانگی نیم
ایارج یکدرم گل سرخ انیسون مصطکی از هر یک دانگی مقل [illegible] کثیرا
باب خالص

26

باب خالص حب زند ترید یکدرم ایرسا نیم درم ایارج
فیقرا غاریقون از هر یک یکدرم محموده دانگی [illegible] چهار دانگ بسفایج
نیم درم باب حب زند صبر یکدرم محموده دانگی و نیم غاریقون
چهار دانگ عصاره غافث دو دانگ باب [illegible] حب سازند
اوجاع مفاصل را در بیشتر [illegible] و درد بواسیر را نافع باشد
صبر سقطری ترید سفید از هر یک هشت درم بوست هلیله زرد و بوزیدان
سورنجان از هر یک ده درم انیسون سقمونیا از هر یک یکدرم مقل [illegible]
باب کنند حب سازند شربتی سه درم [illegible] امراض سوداوی
نافع بود لاجورد مغسول سه درم قرنفل [illegible] سقمونیا از هر یک
یکدرم غاریقون یکدرم افتیمون بسفایج از هر یک چهار درم ایارج
فیقرا شش درم باب کرفس حب زند شربتی سه درم [illegible] الجبن
اعضای سر و معده را از اخلاط پاک کند و [illegible] و درد
[illegible] را نافع باشد

وچون یکدرم ازین حب و یکدرم ایارج فیقرا حب کرده
بخورند خشم را روشن کنند و مانع نزول آب گردد دوا
اخلاط فاسده را از بدن بیرون آورد صبر سقوطری
سقمونیا شحم حنظل عصاره افسنتین مصطکی از هر یک دانگ و نیم
مقل دو دانگ کثیرا نیم دانگ با آب حب سازند ربو و ضیق النفس
وسعال مزمن و امراض صدر را نافع بود عاقرقرحا غاریقون تربد سفید
از هر یک سه درم اصل السوس شحم حنظل ایارج فیقرا ازودوت
از هر یک دو درم با آب حب سازند شربتی مثقالی با ماء العسل
امراض حاره و سرد را نافع بود و صفرا دفع کند معجون دو درم
تربد بیکمان مجوف دانگ و نیم رب السوس نیم درم با آب حب سازند
نقرس کسی را که از مسهلات بد هضم کراهت داشته باشد
ومسهل را دفع کند تربد سفید یکدرم و چهار دانگ غاریقون
چهار دانگ

چهار دانگ پوست هلیله زرد مصطکی هلیله سیاه از هر یک
دانگ و نیم افتیمون نیم درم کادران فلنجمشک بادرنجبویه مجوف
طباشیر زعفران گل سرخ از هر یک دانگ بجلاب حب سازند
اعضا سر و معده را از سودا پاک کند ایارج فیقرا شحم
الحنظل غاریقون حجر ارمنی افتیمون مقل از هر یک دو درم تربد
شش درم مجوف یکدرم با آب حب سازند شربتی دو درم و نیم
بلغم و سودا از معده و دماغ پاک سازد ایارج فیقرا
ده درم بسفایج دو درم شحم حنظل شش درم اسطوخودوس افتیمون
از هر یک دو درم و نیم تربد شش درم سقمونیا یکدرم و نیم با آب
حب سازند شربتی دو درم و نیم صرع و خفقان نشاسته کثیرا از هر یک سه درم
مغز هلیله مغز تخم کدو و تخم خیار از هر یک ده درم مغز بادام مقشر
و تخم خشخاش سفید از هر یک چهار درم شکر طبرزد و فانید از هر یک
بیست درم بلعاب بزرقطونا حب سازند

و اگر سرفه بلغمی باشد رب السوس و مویز منقی از هر یک چهار درم زعفران
یکدرم لعوق نمایند نوازل حاده را دفع کند و اطلاق بول
که از بسیاری سرفه شود کند و سرفه خشک را اگر مانع از خواب
باشد در شب نافع بود نسخه صمغ عربی رب السوس صمغ کثیرا مغز بادام
مساوی بلعاب بهدانه حب سازند هر حبی مقدار نخودی
مغز بادام مقشر صمغ عربی نشاسته خشخاش از هر یک یکدرم
رب السوس چهار درم با قند سفید سه درم بلعاب بزر قطونا حب سازند
پوست [illegible] از ایام پرسیاوشان تخم کرفس رب السوس [illegible] تا درم
کوفته و بیخته با آب حب زنند بوی دهان خوش کند و [illegible] قوت
دهد فلفل قرنفل قرفه خولنجان از هر یک یکدرم گل سرخ سعد
هلیله از هر یک درم طباشیر نیم درم مشک کافور از هر یک دانگی بعلاب
حب سازند همین منفعت دارد قاقله جوزبوا قرنفل
کافور

30

دار چینی خولنجان فوفل از هر یک یکدرم مشک
کبابه پوست ترنج بسباسه از هر یک سعد دو درم
بعلاب حب سازند که نعوظ آورد و در ابطاء انزال
اثری تمام دارد عود خام قرنفل قرفه کبابه فلفل از هر یک
سه درم زعفران نیم درم دو درم دارفلفل بابونه
مروارید ناسفته از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با قند
حب سازند هر یک مقدار نخودی در معده
سرد و تر نافع بود قرنفل کبابه از هر یک سنبل
مصطکی از هر یک سه درم عود خام بیست درم شکر طبرزد
مجموع کوفته و بیخته با ده درم کنند
رد نافع بود قاقله کبابه مساوی
نبات مجموع کوفته و بیخته درم

دفع سرفه خشک میکند   تخم کرفس مغز بادام شیرین
مغز بادام تلخ نوتخج از هریک سه درم نانخواه نمک سداب
و زیره از هریک یکدرم کوفته و بیخته سه درم ازان در آب
در آب انار حل کرده بنوشند   بواسیر و مغص و اسهال
مزمن و زحیر و ضعف معده را نافع بود   تخم گشنیز
بیست درم زیره کرمانی مغز بریان کرده از هریک پنجدرم
و تخم کشنیز و هلیله سیاه در روغن زیت بریان کرده از هریک
ده مثقال مصطکی یکدرم مجموع کوفته بوزن تخم ترب
باب سیزدهم   نخود سیاه درم در کوزه ... خوب یکشبانه
روز و خشک کنند و برنج شسته خشک کرده و نان میده
خشک کرده از هریک سی درم مغز بادام شش درم
و ... گندم و خشخاش سفید از هریک سی درم نبات مجموع را
یکدیگر

یکدیگر ممزوج ... زنند هر صباح سی درم با شیر گاو
تازه بیاشامند   علاج شیر گل سرخ گل ارمنی گل مختوم
مدنی معتدل تخم خرفه از هریک پنجدرم ... سفید
... سفید ... عصاره لحیه التیس از هریک ... درم ...
... ادویه در مجموع کوفته و بیخته ... بزرقطونا ...
... درم با باران ... اگر حرارت قوی باشد ... درم
... ضعف معده و امعا ... را نافع بود
انار دانه بریان کرده ده درم بلوط زهره سماق ...
... خشک بریان کرده ... از هریک پنجدرم ...
نیم درم ... کوفته و بیخته ... سه درم
و ... سفوف ... نافع بود
بزرقطونا ...

بغیر از سه تخم شربتی ۳ درم بروغن بادام چرب کرده بگلاب
خمیر نیم حب بسته فرو برند   تب حره و منضج بلغم را نافع بود
بزر قطونا بزر ریحان بزر مرو لسوز کاهو تخم خطمی آسیونه
تخم خیارین مقشر از هر یک پنجدرم رب السوس بریان کرده ده درم
صمغ عربی گل ارمنی از هر یک سه درم کوفته و بیخته ۳ درم صباح
و سه درم مسا با لعاب بزر قطونا با شیر و گل ارمنی و صمغ عربی در آن منقوع باشد
بنوشند   تشنگی تب و اسهال معدی را نافع بود
سماق ده درم حب الاس و انار دانه بریان کرده از هر یک پنجدرم
خرنوب نبطی نیم درم صمغ عربی و گلنار از هر یک سه درم کوفته و بیخته بشیر بز
اوجاع مفاصل را نافع باشد   سورنجان ده درم
سنا مکی هفت درم تربد سفید مغز بادام مقشر از هر یک
۳ درم زعفران نیم درم سقمونیا یکدرم قند سفید بیست درم
و اگر

و اگر تب بلغمی باشد تربد سفید مصطکی سقمونیا نیم درم لفافه
نماید و قولنج را بغایت نافع بود   سرطان
نهری سوخته دو درم طباشیر قرصی و صمغ عربی و حب ... سفید و سیاه
مغز تخم خربزه از هر یک پنجدرم شربتی بلعاب بادام شیرین
با شراب بخش که سنگ از گرده و مثانه اطفال پاک
سازد   مغز تخم خربزه صمغ عربی صمغ البوطم مساوی
شربتی نیم درم تا یکدرم   مر خفقان حار را نافع باشد
گل ارمنی کشنیز خشک از هر یک یکدرم طباشیر ... از هر یک
نیم درم کافور نیم دانگ کوفته و بیخته با دوغ گاو دهند
که از زهر اسکندر رسته بود ... و فساد معده و صفرا و جرب و سودا
و نسیان را نافع بود طعام هضم کند و بوی دهان خوش کند
و دالقوة را   قرنفل سادج عود اسارون مصطکی

هلیله کابلی فلفل خمسک بازرسک زیره کرمانی دار چینی اشنه

فلفل دار فلفل زنجبیل قرنفل بازرد بادام حور بوا کافور قاقله

از هر یک دو درم مشک و عنبر از هر یک یکدرم نبات شش درم

ادویه را نرم کوبند با شکر بسرشند شربتی یکدرم تا سه درم

حرارت جگر بنشاند

و بخار دفع کند و اسهال صفراوی را باز دارد و غلیان

خون را ساکن گرداند و ابدا حصبه و جدری را نافع بود

ورق گل سرخ ده درم طباشیر بیست درم سماق گشنیز عناب عدس مقشر

زرشک گل ارمنی کاهو خشخاش سفید از هر یک پنج درم

چهار درم و نیم کافور یکدرم شربتی سه درم با شراب میوه

با شراب غوره یا ماء الشرب انار

حصات کلیه و مثانه را

نافع بود

ارمنی ... حب بلسان ... خربزه از هر یک

پنج درم حسک چهار درم حجر الیهود و قلب از هر یک سه درم

تخم کرفس بسباسه انیسون قطراسالیون

از هر یک

33

از هر یک یکدرم صمغ عربی و کثیرا از هر یک ... تخم

شربتی دو درم با شراب خشخاش

در رفع ... بندد

سنبل الطیب سه درم مازریون انار از هر یک چهار درم ...

شش درم حب الآس ... کوبیده و بخته شربتی ... درم با آب

کندر عود خام از هر یک یکدرم خشخاش ده درم ...

پنجدرم زعفران ... نبات بیست درم کوفته و بیخته شربت

شربتی ... رفع سرعت انزال کند صفت طباشیر خشخاش ...

ببندند از هر یک یکدرم حرز بوا جوز السرو کوفته و بیخته ...

دو درم شراب خشخاش شربتی ... مدقوق و مسلول و نفث الدم و

سینه را نافع بود صمغ عربی کثیرا و ... حب ... خشخاش

و تخم کاهو ... از هر یک شش درم صندل سفید ده درم ...

و طباشیر از هر یک سه درم ورق گل ... از هر یک ... درم

مغز تخم خیار مغز تخم کدو عصاره لسان الحمل گل مختوم گل ارمنی

گل قرص از هر یک چهار درم زعفران یکدرم کوفته و بیخته

[illegible] کافور دو دانگ [illegible] السرطان [illegible]

[illegible] و شیره تخم [illegible] نافع باشد [illegible] رفع کنند

نافع باشد تخم [illegible] زیتون [illegible] روغن [illegible]

ریوند چینی از هر یک دو درم زیره کرمانی سه درم سنبل الطیب [illegible] سعد [illegible] یکدرم

کوفته و بیخته شربتی [illegible] اسهال معدی را نافع باشد

انار دانه بریان کرده [illegible] از هر یک ده درم [illegible]

[illegible] سماق سه درم کوفته و بیخته شربتی دو درم

کبدی را نافع بود معده و دل و جگر را قوت دهد و حرارت [illegible]

[illegible] مروارید ناسفته چهار درم [illegible] سوخته کهربا طباشیر [illegible]

گل ارمنی گل قرص تخم گل [illegible] صندل سفید بارتنگ بریان کرده [illegible]

بلوط

بلوط بریان تخم مورد [illegible] کنار [illegible] کشنیز خشک بریان کرده

صمغ عربی بریان کرده بزرقطونا بریان کرده

از هر یک شش درم گل مختوم و مصطکی از هر یک یکدرم

انار دانه پنج درم کهربا و اقاقیا مقشور از هر یک

ده درم جمع کوفته و بیخته بغبار بارتنگ و بزرقطونا

سفوف زنند تخم حماض [illegible]

بریان کرده گل سرخ [illegible] از هر یک

یکدرم سماق حب الآس از هر یکی [illegible] درم انار دانه [illegible]

درم کوفته و بیخته سفوف سازند اسهال معدی را

معده را نافع باشد خرنوب نبطی [illegible] زیره کرمانی

[illegible] سماق [illegible] حب الآس [illegible] بلوط کشنیز خشک بریان

[illegible] کوفته و بیخته شربتی [illegible] بارتنگ [illegible]

باد ها بشکند و معده را قوه دهد [illegible] کرد با ابشون

زیره کرمانی فاقله قرنفل نانخواه تخم کرفس از هر یک دو درم فلفل

نیم درم زنجبیل دار فلفل از هر یک دانگی قند سفید [illegible]

کوفته و بیخته شربتی دو درم نافع از جهت اسهال با سکنجبین

حب الاس مقشر بلوط محکک خرنوب از هر یک دو درم صمغ عربی [illegible] درم

کوفته و بیخته شربتی سه درم نافع ترک بول و وجع کلیه و مثانه

نافع بود و بول براند معجون محکم شربتی دو درم [illegible]

کرم محکک سعد از هر یک ده درم [illegible] از هر یک

سه درم رب السوس سفید دو درم قند برابر همه شربتی سه درم صباح دو درم

مصطکی رب حسنی [illegible] صمغ کل ارمنی کلنار سماق بلوط

از هر یک پنج درم [illegible] کل تخم [illegible] از هر یک سه درم صندل

سفید یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم با آب انار مز [illegible] سود [illegible]

[illegible]

معده را قوه دهد و اسهال باز دارد بلوط [illegible]

دانه مورد دلنار از هر یک ده درم خرنوب نبطی و حب الاس از هر یک

بیست درم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال از جهت تب غب از اول [illegible]

حلاوت باشد نیلوفر دارد بزرقطونا دو درم [illegible] شیر خشت

خشک یکدرم و نیم شربتی یکمثقال نافعست از جهت ضعف معده

[illegible] ان حرارت کهاد کل سرخ از هر یک پنج درم [illegible]

زرشک ده درم طباشیر انار از هر یک سه درم سنبل یکدرم زعفران

و کافور از هر یک دانگ کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با شراب

انار [illegible] کرده اند زوفا خشک ده درم زعفران

سه درم قند سفید ده درم کوفته و بیخته هر روز شربتی دو درم

[illegible] کند لک مغسول ده درم نانخواه [illegible]

زیره کرمانی از هر یک چهار درم [illegible] از هر یک یکدرم

کوفته و بیخته شربتی [illegible] کنند

قطع سیلان منی کند و رعشه ازال سود نافع بود

تخم سیر الب سه درم تخم خرفه کشنیز خشک تخم کاهو از هر یک

چهار درم گلنار و ورق گل سرخ از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته

ده درم از ان در دوغ یا با لبن حل کرده بخورند بنوشند

و بلغم را قطع کند   کند مصطکی از هر یک پنج درم عود خام

هفت درم انار ریاتر پانزده درم زنجبیل قاقله جوز بوا بسباسه

نعناع از هر یک چهار درم پوست ترنج فرنجمشک از هر یک ده درم

گل سرخ شش درم سنبل الطیب از هر یک پنج درم کوفته و بیخته با عسل

سازند شربتی سه درم   در آب   معده ضعیف و جگر

سرد و سپرز ... سود دارد و طبع نرم کند و ریاح اسهال را دفع نماید

افسنتین پنجاه درم تخم ... ده درم تخم کرفس ده درم آب ...

بپزند تا به نیمه آید و با قند شربت بسازند   معده را

قوت

قوت دهد و قی باز دارد و دل را قوی گرداند

آب ... و آب به و آب انار ترش و شربت ... و آب امرود

از هر یک پنج درم آب زرشک ... و آب غوره و آب

... از هر یک نیم جزو بجوشانند تا به قوام آید

قی باز دارد و صفرا دفع کند و معده را قوت دهد

آب انار ترش دو من نعناع تازه ده درم ...

خام ... مصطکی از هر یک ده درم پوست ترنج ... بسته

پنج درم کوفته در آب بجوشانند ... مصطکی تا به نیمه آید

صاف کنند و با یک من قند به قوام آورند و بعد از ان مصطکی را

کوفته اضافه نمایند   فواق بنشاند و قی باز دارد

و معده را قوت دهد   انار ترش و شیرین با تخم ان بکوبند

و آب ان بگیرند دو من و با یک من قند به قوام آورند

دیگر قرص الب نعناع

منع نزلات کنند و برص و سعفه و ریش را نافع

تخم خشخاش بزرگ با پوست

بکوبند و بجوشانند آب آن را [illegible] کرده اند

صد مثقال نیم کوفته کنند و با ده من و نیم آب باران بپزند و به

بالای آن یک من و نیم قند شربت بپزند   معده و دل را قوت

دهد و مفرح بود و [illegible] را ساکن کند و اسهال صفراوی باز دارد

سیب اصفهانی اندرون و بیرون پاک کرده در هاون سنگین یا چوبین

بکوبند و آب آن بگیرند ده من و بجوشانند تا بدو من آید

و یک من قند اضافه کنند و بقوام آورند و شربت [illegible]

که [illegible] بکوبند و بپزند و با یک من قند بقوام

آورند لیکن اولا آن [illegible] با پوست بپزند   معده و

دل را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و طبع را ببندد و قی و

غثیان باز دارد   به ترش و شیرین اندرون و بیرون

پاک کرده آب آن بگیرند و بر [illegible] آب با یک من قند بقوام آورند   شراب ریباس

37

اسهال صفراوی و قی و عطش را نافع بود و معده را قوت

دهد   ریباس را سره و دنبال آن را بگیرند و چوبین بیندازند

و در هاون سنگین یا چوبین بکوبند و آب آن بگیرند و صاف کنند

و بجوشانند تا [illegible] بگذارند و کرباس بپالایند

و بر یک من آب یا یک من قند بقوام آورند   صفرا بنشاند و قی باز

دارد و معده و دل را قوت دهد و خفقان گرم را نافع بود

آب حماض [illegible] قند سفید یک من شربت سازند [illegible]

[illegible] معده را قوت دهد و اشتها آرد و صفرا بنشاند و قی باز دارد

و [illegible] را قوی گرداند و خمار رفع کند.   آب لیمو [illegible]

با یک من قند بقوام آورند   تشنگی بنشاند و دماغ را قوت دهد

و درد سر که از گرمی بود ساکن گرداند   آب نارنج [illegible] بجوشانند

تا به نصف آید و کف آن بردارند و با یک من قند شربت بپزند

تشنگی بنشاند و تب گرم را نافع بود و حمی ربع را دفع کند
آب غوره یک من بجوش نهند تا بنصف آید و کف آن بگیرند
و صاف کنند و با یک من قند بقوام آورند — معده را قوت
دهد و بوی دهن خوش کند و باه ضعیف را قوی گرداند
عود هندی و اشنه از هر یک ده درم سنبل الطیب مصطکی
جوزبوا از هر یک سه درم مجموع نیم کوفته در کیسه کتان بسته
و در سه چهار ریک گلاب بجوش نهند و کیسه را نیک بمالند
تا قوت آن بگلاب دهد و یک من قند بقوام آورند و آن گلاب در
بر آن ریزند و دیگر بار بجوش نهند تا بقوام آید و فرو
گیرند و نیم درم مشک خالص سوده در آن حل کنند — معده را
قوت دهد و اسهال صفراوی را نافع باشد — حب الآس یک من بند
و بجوش نهند تا نیک مهرا شود و به پالایند و بهر جزو آن
ده جزو

38

ده جزو قند سفید اضافه کنند و اگر قدری طباشیر سفید سوده
در آن حل کنند بهتر باشد — طبع را نرم کند و
جگر و دل را قوت دهد و سده بگشاید و دوار الغثیان و ... و
ذات الجنب را نافع بود تشنگی بنشاند — تخم کاسنی نیم کوفته
و سقاقل از هر یک بیست درم پوست بیخ کاسنی چهل درم بیخ ...
مکاوریان از هر یک ده درم تخم کشوث در کتان بسته بگو...
تا مهرا شود صاف کنند و با یک من قند بقوام آورند و فرو گیرند
و ده مثقال ریوند چینی سوده در آن حل کند — سرفه بلغمی را نافع
بود سینه و شش را از اخلاط پاک سازد و ربو و ضیق النفس را
سود دارد — عناب بیست دانه سپستان سی دانه انجیر زرد
بیست دانه بنفشه چهار درم پرسیاوشان هفت درم تخم خطمی
خبازی از هر یک پنج درم اصل السوس ناخشک از هر یک
هفت درم بجوش نهند و بپالایند

وبا نباتی قند بقوام اورند و بعضی بجدرم فرا
سیرّلی داخل میکنند . طبع را نرم کند
و صفرا بشکند و معده را قوة دهد و قی باز دارد
تمر هندی نیم [illegible] بجوش نهند و سواس بگیرند و با آن
و با نباتی قند بقوام اورند   دل را قوة دهد و خفقان
گرم و جگر گرم را نافع بود و تشنگی بنشاند
هذا ل سفید [illegible] بیت معده [illegible] کلاب خیسانند بجوشانند
روز دیگر [illegible] بمشهند و شیره ان بگیرند و با نباتی قند
شربت بپزند   کرده و مثانه را نافع بود و منی بیفزاید
و باه را قوة دهد و درد پشت را زایل کرداند   الجز جوب [illegible]
در بیخ اب [illegible] تا بخته شود [illegible] بپالایند [illegible] سفید در بیخ [illegible] بپزند
تا مانند [illegible] بپالایند و صاف کنند و با نباتی و نیم [illegible] عسل صاف
برسر ان

بر سر ان ریزند و دار چینی و قرنفل و خولنجان و سنبل الطیب
از هر یک یکدرم زعفران نیم درم در کیسه بسته در ان اندازند
و بجوش نهند تا بقوام اید [illegible] معتاب ذات الجنب
و ذات الریه و [illegible] و سرفه و [illegible] و در [illegible] و درد [illegible] را نافع
نیکو بود [illegible] و سینه را نرم کند   بنفشه تازه یکی یک
بجوشانند و با نباتی قند شربت بپزند و اگر بنفشه تازه نباشد
[illegible] بنفشه خشک عوض ان کنند و باید که بسیار [illegible]
نافع بود [illegible]   سوداء [illegible] حمیات صفراوی
و سعال و ذات الریه را نافع بود   گل نیلوفر [illegible]
تازه [illegible] بجوشانند و با نباتی قند [illegible] شربت بپزند
بجهت [illegible] و حصبه و جدری و درد سینه و سرفه و [illegible]
نافع بود   عناب [illegible] یکچهار [illegible] اب [illegible]

بمالند و بپالایند و با مبالغه و با نیم من قند شربت بپزند

دل را قوّة دهد و خفقان را زایل گرداند و بول و ادرار زرد

نبات ... نافع بود آب گاوزبان تازه یک من با یک من قند

بقوام آورند و بیست مثقال گلاب بر سر آن ریزند و فرو گیرند

و اگر گاوزبان تازه نباشد یک چهار یک خشک کنند

دل را قوّة دهد و خفقان بارد و توحش را نافع باشد

آب انار ترش تازه نیم من و با نیم من قند شربت بپزند و اگر تازه

نباشد پنجاه درم خشک عوض آن کنند — معده و جگر را نافع

و استسقا را نافع بود و ... دفع کند و سه ... یک ...

پوست ... پوست ... از هر یک بیست درم ...

... پوست ... از هر یک ده درم ...

پنجه درم بجوشانند و صاف کنند با یک من قند شربت بپزند

مسهل صفرا بود ... آن

49

گل سرخ تازه نیم من در نیم من آب بجوشانند

تا به هفت ... آید صاف کنند هیچ دیگر برگ گل در آب

بجوشانند و دیگر باره بپالایند چند نوبت ...

... تا ... آید صاف کنند و با نیم من قند شربت بپزند

شربتی سی درم با ده درم سکنجبین ده و آب ... یا برف

شربت ... خناق را نافع بود آب لیموی ترش صاف کرده بجوشانند

تا به نیم آید و به هر یک رطل از آن آب سه رطل قند اضافه کنند

و بقوام آورند ... جگر را قوّة دهد و تشنگی بنشاند ... آب انار

ترش ... بجوشانند تا به نیم آید و به هر یکی از آن آب یک من قند ...

... و بقوام آورند ... در معده و خفقان ... نافع

و اعصاب را قوّة دهد ... عسل ... انگور ... بجوشانند

... دار ... و بقوام آورند ... از ...

یکمونی اصفر شیر بستی پنجدرم معده را قوة دهد و

امراض بلغمی را نافع باشد و پیران را موافق بود
عسل یکمن قند سفید یکمن در دو من آب بجوشانند و بقوام آورند
و بمعجون مشک و یکدرم زعفران سوده لطف کمند شیر بستی سه درم
جگر و دل و احشا را قوة دهد و سده بگشاید و استسقا و
امراض بارده سودا نافع بود و باه زیاده کند و نشاط آورد
ابریشم پنجاه درم اسنکران خوب شسته شب فرد درد یک
سنگین بجوشانند تا به نیم آید صاف کنند و خولنجان و وج
مصطکی از هر یک سه درم زعفران یکدرم صلایه کرده الخ
نمایند با یکمن قند شربت پزند شربتی چهار درم صرع و ماخولیا
وصداع بارد و جمیع امراض دماغی را که از برودة باشد نافع بود
عود صلیب اسطوخودوس سپیاوشان از هر یک پنجدرم اصل السوس گاوزبان
را از

61

رازیانه پوست بیخ کرفس تخم خطمی مغز تخم گل سرخ از هر یک
سه درم مویز منقی سپستان از هر یک پانزده درم بجوشانند و صاف
کرده با یکمن قند شربت پزند پوست بیخ کبر پوست بیخ رازیانه
از هر یک بیست مثقال تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه ماهی زهره
سورنجان از هر یک ده درم پوست بیخ کرفس بیست درم قند سفید
یکمن بطریق معمول شربت پزند مواد غلیظه را نفع دهد
و سده بگشاید و بادها را بشکند و جگر و معده را قوة دهد جمیع
امراض بارده سودا نافع بود پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس
پوست بیخ کاسنی از هر یک سی درم پوست کبر پانزده درم رازیانه تخم کرفس
تخم کاسنی از هر یک بیست درم انجیر زرد بیست دانه مویز منقی چهل
نعناع اذخر سنبل اسارون بلیخ از هر یک ده درم قند سفید
یکمن بطریق مطبوخ شربت پزند در ...

بود و باه را قوة دهد   گزر شسته پاکیزه ده من بیرون

بیندازند و دو درم درم کنند و در دیک سنگین اندازند و آب

بر بالای آن ریزند و سر دیک بگل یا بخمیر محکم کنند چنانچه

بخار از وی بیرون نرود و بر آتش آهسته بپزند و بگذارند

تا پخته شود پس سر دیک بگشایند و نیک بمالند و لب آن

بسته شده و صاف کنند و بوزن آن عسل در دیک ریزند

و بسباسه و خولنجان و قرنفل و دارچینی از هر یکی ده درم زعفران نیم درم

مجموع نیم کوفته در خرقه کنند و در آن دیک اندازند و هر لحظه بهم

می مالند و می جوشانند تا بقوام آید   اسهال دموی و نفث دم

و سیلان طمث را نافع بود و معده و جگر گرم را قوة دهد

صندل سرخ و صندل سفید سائیده از هر یک سه مثقال گل سرخ مثقال

اقاقیا دو مثقال قند سفید نیم من بطریق معمول شربت بپزند

مشمش لار

منع نزلات کند و سرفه خشک را بغایت نافع بود

خشخاش سفید با پوست بیست عدد و تخم خطمی کدو تخم خیار بادرنگ

از هر یک پنج درم اصل السوس پوست دور کرده بزر قطونا ده درم مجموع را

در شش رطل آب باران خوب بخیسانند شب تا روز تا نرم شود پس بر آتش

نرم بپزند تا مهرا شود و به نیمه آید پس صاف کرده با قند بقوام

آورند   خشخاش سفید با پوست خشخاش سیاه از هر یک ده عدد

عناب و جو مقشر از هر یک سه مثقال اصل السوس سه درم لسان الثور

بیست مثقال قند سفید صد درم شربت زنند ضماد گرم

بلغم دفع کند و سرد مزاج را نافع بود   زنجبیل دار چینی از هر یک

پنجدرم هیل قاقله از هر یک درم قرنفل یکدرم مجموع نیم کوفته

شود در شش رطل آب بجوشانند تا سه رطل آید صاف کنند و بنبات

بقوام آورند و نیم درم زعفران سائیده اضافه نمایند

معده و جگر را گرم کنند سنبل مصطکی دارچینی قاقله عود هندی هل
جوزبوا از هر یک یکدرم قرنفل نیم درم مجموع نیم کوفته در سه
رطل اب بجوش شنند تا بدو رطل اید پس پالایند و با پنج
رطل عسل بقوام اورند   معده را قوه دهد و اشتها
اورد و بول براند و مفاصل و امراض بلغمی را نافع بود   عمل
بلیلج و اب جزر خوب بجوش شنند تا ثلث برود و در شب باند
و اگر متوره خواهند دارچینی خولنجان رهل مصطکی زعفران هل
جوزبوا بسباسه کوفته و بیخته بقدر احتیاج اضافه نمایند
مالیخولیا و یرقان و جرب و کلف و امراض سوداوی را نافع بود
و صفرا براند و با افتیمون مسهل سودا باشد   بزسرخ جوان
صحیح البدن که حمل و رازیانه دیده او گذشته باشد چند روز
گشنیز تازه یا کاهو یا کاسنی یا رازیانه یا ارد جو باشند تازه
یا علف جو

43

یا علف جو بدهند بعد از ان دو رطل شیر او بستانند
و در دیگ سنگین به آتش نرم بجوش اورند و چون یک جوش
بزنند یک رطل سکنجبین و با دانجیر صبر بر سر ان ریزند و بجوش بدهند
و بچوب انجیر پوست کنده حرکت دهند تا ببندد پس از اتش
فرو گیرند و در کرباس اندازند و بیاویزند تا اب از او بچکد
ان اب را بگیرند و دیگر باره بجوش شنند و کف بردارند و با
سکنجبین بنوشند هر روز یکرطل پس دفع چهل کرم در میان هر
دفعه رعت باشد و بعد از ان نوشیدنی چند کام بروند
معده را قوة دهد و قی و غشیان و هیضه و فواق و درد جگر
را نافع بود صفت ان ... شراب ...
عسل مصفی ... را در دیگ ریزند و رهل مصطکی قاقله
کبابه ... دارچینی فلفل ... قرنفل از هر یک هفت درم

زعفران ده درم ... زر انیم کوفته کنند سوای زعفران
و در کیسه بندند و دران اندازند و بجوشانند زمان زمان
تکیه ... تا بسه شود تمام باز ده درم زعفران سائیده در آنها
نمایند و بقوام آورند — سرعت انزال را نافع بود

انگور ... شش رطل سماق ... زو ... گل سرخ ... خشک کنند
آب
صبر ... سعد ... درم زعفران ... از هریک ... درم خبث
الحدید ... بجوشانند تا ثلث باقی بماند صاف کنند ...
معده را قوة دهد و ... را قوی گرداند و لون ... زرد
دبا ... را نافع بود ...
صعتر ... کاشم کرویا کسیه خشک ... کندر
دار چینی سل ... درم ... سعد ...
خبث الحدید ده ... در شش ... دو ... بجوشانند تا بنیمه آید
صاف

صاف کنند شربتی هر روز ... درم ... نسیان و
... را نافع بود معده را قوة دهد و ... موافق باشد
شیره انگور ... در ... شش ... قند ... کنند و در ...
قرنفل ... ده درم مجموع را نیم کوب ... در
کنند و در ... بکنند و ... شش ... استعمال ...
و باید ... را اول ... و اندرون موم ... کرده باشند
و بمشک و عنبر معطر سازند — بر ... ده معده و جگر و ...
ظهر و مفاصل و قولنج و لقوه و نسیان و وجع کلیه را نافع بود
لون را صافی گرداند و ... کند و معده و باه را قوة
دهد و بول براند و ... بشکند — آب انگور رسیده
... گوشت ... پخته ... عود ...
جوز بوا زعفران مصطکی ... از هریک ...

یکدرم حب‌الکابه ربهای قرنفل سعد کندر از هریک سه درم
زنجبیل دارچینی سنبل قرنفل قرفه از هریک یکدرم عسل دو رطل
گوشت را در آب انگور بجوش بنشانند تا مهرا شود و دارو نیم کوفته
در کیسه کنند و کیسه را نرم ببندند و در آن اندازند و هر لحظه بمالند
تا بنشیند و یک رطل گلاب اضافه نمایند و صاف کنند و در خم ریزند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند و اگر خواهند که مرغ و کبوتر و کبک
و امثال اینها اضافه نمایند از گوشت گوسفند چنین کنند گرسنه قوت
برود دست معده و حشا را نافع بود و ضعف را قوت دهد و پیران را
موافق باشد   شربت کهنه ده رطل عسل صاف سه رطل زنجبیل
ده درم فاقله خیربوا زعفران از هریک مثقال قرنفل و مصطکی از هر
نیم درم دارچینی و فلفل از هریک یکدرم ادویه را نیم کوفته کنند الا
مشک و زعفران و در کیسه کنند و کیسه نرم ببندند و شربت و عسل را
بجوش بنشانند

45

بجوش نشانند و کیسه را در آن اندازند بعد در خشت بمالند
می مالند تا شربت بقوام آید پس کیسه را بردارند و مشک و زعفران
در آن حل کنند و نگاه دارند   در سکنجبین صفرا دفع کنند
و محرور مزاج را موافق باشد تشنگی بنشاند و سده بگشاید و بول
براند و تب‌های حاد و جگر گرم را نافع باشد   قند سفید یک من در
کنند و سه چهار یک سرکه صاف اضافه نمایند و بجوش نشانند تا بقوام آید
و یک وقیه گلاب بر آن ریزند و فرود آرند   سده جگر بگشاید
و بول براند و استسقا و حمیات حاده را نافع بود و تشنگی بنشاند
رب سکنجبین ... درم سه ... از هریک پنجدرم مجموع نیم کوفته
در آب یک سیر کهنه ... یک شب نه روز و روز دیگر بجوش نشانند
و بر بالا ... قند بقوام آورند و بعد از آن ریزند و دیگر
باره بقوام آورند و فرو گیرند

سدهٔ جگر بگشاید و بول براند و نفخ را از معده

پاک سازد و استسقا را نافع بود — نسخهٔ کاکنج که هم گفته که هم کردیم

تخم کرفس و رازیانه و انیسون از هر یک پنجدرم پوست بیخ رازیانه و بیخ

کرفس از هر یک ده درم در لب و سرکه خوب بشستند چنانچه ذکر رفت و با

قند سفید بقوام آورند — یرقان و درد جگر را که از گرمی بود

نافع بود — نسخهٔ کاکنج کوفته و شاهتره که کشوث از هر یک

ده درم ریوند چینی پنجدرم ریوند کوفته در کیسه کنند و با آب در دیگ

با دیگر این ادویه بجوشانند زمان زمان کیسهٔ ریوند را می مالند

تا شیره تمام باز دهد بعد از آن صاف کرده با یکمن قند و چهل

سیر بقوام آورند شربتی پانزده درم با پنجدرم گلاب

سدهٔ سپرز و جگر بگشاید و بول براند و حمیات مرکبه را نافع بود

نسخهٔ کاسنی را از بیخ کرفس از هر یک شش درم از سه تخم از هر یک پنجدرم

46

پنجدرم پوست بیخ کاکنج پوست بیخ رازیانه از هر یک هفت درم

مجموع نیم کوفته در سه رطل آب بیست درم سرکه خوب کنند

یکشبانه روز در دیگ بجوش کنند و با یکمن قند بقوام آورند

حمیات محرقه و معده و جگر گرم را نافع بود و تشنگی

آب انار ترش و آب انار شیرین از هر یک نیم من بجوش کنند

تا بقوام آید و قدری زرشک و سرکه صاف چهار یک قند

لطف کنند و بقوام آورند و اگر بعوض شکر تمر هندی کنند

معده و جگر را قوت دهد و اشتها آورد و سده بگشاید

و ناتوانان را مفید بود — آب صاف کرده یکمن با یک چهار یک

قند سفید خوب بجوش کنند و بقوام آورند الکری با گلاب

کند ضو لب باشد — مالیخولیا و صحات توحش و صرع را نافع

بود — افتیمون ده درم بسفایج فستقی تربد سفید از هر یک

کاوزبان تخم کاسنی

کشم کشوث پوست بیخ کاسنی از هر یک پنج درم حسک درق

گل سرخ تخم انیسون از هر یک چهار درم کشم بادروج

فرنجمشک بادرنجبویه زرنباد درونج عقرب بهمن سرخ و سفید

سادج هندی قاقله سنبل از هر یک سه درم کوفته بوزن

همه ادویه در سه کرد آب خرشنه یکشبانه روز تر کنند و بامداد بجوشانند

بتوام اد زند اسطوخودوس ... صاف کرده هر از ...

پنجدرم افتیمون سناء مکی پوست هلیله کابلی از هر یک ده درم

را ازان بشکاند هلیله را نیم کوفته با ادویه دیگر در بیاره درم

سه کرجست بنهند بعد جوش بشنده صاف نموده با تمر هندی تشفید

بتوام اد زند استسقا و ورم جگر را نافع بود و سنگ شده

را الله بپرست بیخ را ازان پوست بیخ کبر کاسنی

پوست بیخ کاسنی زوفا خشک فوه عصاره غافث اسپلین

ده درم

ده درم کشم کشوث تخم کرفس پوست بیخ کرفس

جعده سنبل اسارون از هر یک هفت درم در صد درم

خوب ننهد و با نیم نیند بتوام اد زند ضیق النفس

و رنبو و سرفه بلغمی را نافع بود سه کرد عسل نیم جهار سنگ

عسل مصفی نیم بجوش شیشه با بتوام اید استسقا و درد

پهلو که از سردی باشد و سرفه کهنه بلغمی و فالج ولقوه و سرسام البلغمی

و ضیق النفس را نافع بود و سده جگر و سپرز بکشاید و بلغم مرده

ببید ازد سه کرد عسل نیم زنجبیل را ازان بر آمیزند

حلبیت عاقرقرحا بود مر دشتی از هر یک ده درم کشم کرفس

زیره کرمانی قردمانا از هر یک پنجدرم آدویه نیم کوفته کنند و در

سه کرد عسل و چهار یک عسل صاف جوش کنند و نیم کوفته

و را انشاب بنه پس سیاه بنهند و نگاه دارند شربتی از طعوم

سه درم شربت کنند

سرکه عنصل بگیرند پیاز عنصل را بگارد
چوبین پاک کنند و در ریسمان کشند جا بجا بیلد بر
نخسبند و چهل روز در سایه نگاه دارند تا خشک شود
و بعد از آن در ظرفی کنند و هر یکمی پیاز نیز سرکه کهنه
داخل نمایند و دو ماه در آفتاب نهند در مربا
معده را قوت دهد و هاضمه را قوی سازد و طبع
نرم کند و بواسیر و نسیان را نافع بود و باصره را
تیز گرداند و موی را از سفیدی حفظ نماید
هلیله کابلی بزرگ صد عدد در ظرفی کنند و چندان
آب بر سر آن ریزند که او را بپوشاند و خاکستر پاک بیز
نمایند در هر سه روز یکبار بشویند تا خاکستر از او
جدا شود و در دیگ کنند و آب صاف بر رویش بریزند و یک کف
جوش

48

جوش دهند تا نیم کوفته اضافه نمایند و باز بجوشانند و بچشم آنقدر
پس بیرون آورند و دیگر باره بدان دستور بشویند و هر هلیله را
سوزن بزنند و در ظرفی کنند و چندان عسل بر سر آن ریزند
که او را بپوشاند بیست روز بگذارند و بعد از آن از
عسل بیرون آورند و آن عسل را نگاه دارند و دیگر عسل تازه
بر سر آن ده روز دیگر بگذارند بعد از آن با عسل اول
بجوشانند تا بقوام آید و اگر این داروها را داخل کنند
بهتر باشد فرفیون زنجبیل قاقله جوزبوا مصطکی از هر یک
ده مثقال نیم درم زعفران یکمثقال در ظرف چینی
نگاه دارند و بعد از چهل روز بخورند باد را زایل
کند و قوت دهد و حفظ تمام آورد و دمشق را
دارد شش قل زه یکشب سه روز در آب جوشانند

بازان ابرا بریزند و بکشند هر روز دیگر در آب تازه
خوب شسته بعد از آن مقشر کنند و بجوش شوند تا نیم پخته
شود انگاه عسل صاف بر سران کنند و به آتش نرم بجوش شوند
تا بقوام اید و در ظرفی کنند و بعد از چهل روز تناول نمایند
معده را قوه دهد و نفخ اورد   گوشت
ترنج را در دیگ کنند و آب بجوش شوند تا نیم پخته شود و بیرون
اورند و بیفشارند و عسل صاف بر سران کنند و بر آتش نرم
بجوش شوند تا بقوام اید و اگر خواهند [illegible]   اما مربا
هلیله و بالنگ و شقاقل و هویج زرد و کردمان بعسل بپزند تا شربت شود
و مربای تمر هندی و الو و به و سیب و امثال اینها بعمل اورند
[illegible] را قوه دهد و سینه را نرم کند و [illegible] را محکم کند
گزر بزرگ پوست [illegible] شسته و پاره پاره کنند و میان
ان را [illegible] و در آب [illegible] عسل بجوش شوند
تا پخته

٤٩

تا پخته شود پس بیرون آورند و در عسل اندازند
و اندک جوشی بدهند و در ظرفی کنند بعد از چهل روز
[illegible]   گرده و مثانه [illegible] و بارد و حیات
بلغمی را نافع بود و [illegible] باه را زیاد کند
زنجبیل را [illegible] در زیر ریگ کنند [illegible] روز
آب آن میریزند پس بیرون اورند و بشویند و در [illegible]
کنند و با [illegible] عسل بجوش شوند تا بقوام اید   معده را
قوت دهد و باه را زیاد کند   گردکان تازه که مغز
[illegible] نشده باشد پوست باز کنند و در عسل بجوش شوند
تا بقوام اید   قولنج ریحی و صرع و فالج را نافع بود
[illegible] قرنفل را [illegible] شبانه روز در آب [illegible] شوند
پس بیرون اورند و در آب و عسل بجوش شوند تا بقوام اید

حرارة دفع کند و تشنگی بنشاند   پوست [illegible]
بستانند و سبزی ازو بتمام شسته در سه روز در آب
آهک حوض بنهند روز چهارم در نمک آب اندازند
و یکشبانه روز در آب نمک بگذارند پس بیرون آورند
و سه شبانه روز در آب شیرین اندازند بعد از آن
در آب و قدری عسل بجوشانند تا نیم پخته شود پس بیرون
آورند و بنهند تا آب از و برود و دیگر باره در عسل اندازند
و بجوشانند تا بقوام آید   سینه و شش
و مثانه را نافع بود   کدوی تازه بخراشند و مغز آن
بیندازند و باریک پاره کنند و به آب و عسل بجوشانند
و بقوام آورند   صفرا دفع کند و تب زایل گرداند
و مجرای بول را موافق باشد   تمر هندی را از چوب
و دانه پاک کنند و گلاب خیسانند

یک ساعت بعد از آن قند را بقوام آورند و تمر
بر وی ریزند و چون یک جوش بزنند فرود گیرند
معده و جگر را نافع باشد   سیب را پوست باز
کنند و دانه بیرون آورند و در آب بجوشانند تا نیم پخته
شود پس با قند بقوام آورند و صفت مربای سیب مسهل
مربای سیب است اما سیب را در شربت سنا مربا کنند و مربا را
سازند   در لعوقات   سرفه و خشونت
حلق را نافع بود و سینه را نرم کند و نفث را آسان گرداند
و طبع را نرم سازد   سپستان جهت [illegible]
چهل درم و مغز خیار چنبر پانزده درم در شش رطل آب بجوشانند
تا بدو رطل آید و بدست بمالند و صاف کنند و یک
رطل قند بقوام آورند   ربوب سرفه کهنه را نافع بود

و سینه و شش را از اخلاط غلیظ پاک کند

زوفا خشک سه سیر کتان از هر یک سه درم در سه

رطل آب بجوشانند تا بر ثلث آید بر صاف شکر بفشه ... یک

قند بقوام آورند ربوب سعال از حرّ ...

بود و سینه را از اخلاط پاک سازد و در نفث الدم نافع بود

بزر کتان بریان کرده سی درم قرطمان ده درم کوفته

بیخته بعسل سرشته و لعوق سازند سل و قرحه

ریه و سینه و قرحه را نافع بود نشاسته کثیرا از هر یک ده درم

طباشیر چهار درم مغز تخم خیار تخم خرفه تخم کدو مقشر ...

از هر یک هفت درم قند سفید ... سرشته کرده ... درم

و عسل سرشته تحرج و غلغله صوت و ...

بود و سینه را نرم کند و نفث الدم را آسان گرداند

کتان دو درم حلبه مغز بادام مقشر از هر یک چهار

درم کثیرا اصل السوس ... مغز جلغوزه و نشاسته ...

از هر یک ده درم کوفته بعسل لعوق زنند

خشونت حلق و حنجره را نافع بود صمغ عربی کثیرا ...

رُب السوس از هر یک ده درم مغز تخم کدو مغز بادام از هر یک

پنج درم قند سفید بیست درم کوفته بگلاب سرشته در روغن بادام

چرب ساخته و لعوق نمایند سعال ...

نافع بود و فضول البلغم را از سینه دفع کند و بر نفث ...

نماید ربُّ السوس کثیرا ... مغز بادام را ...

بعسل صاف و روغن بادام سرشته ربوب سعال ...

کم باد و طریقه باشد نافع بود پیاز عنصل مشوی ... درم

اصل السوس ... فراسیون ... از هر یک ... کوفته

نسخه طلی بن ماسویه   بعسل صاف بسرشند

ورم حلق و تب و عطش و خشونت زبان را نافع بود

عناب بیست عدد سپستان صد عدد تخم خطمی ده درم

مویز منقی بیست و پنج درم بنفشه و اصل السوس از هر یک کوفته

از هر یک پانزده درم کثیرا شش درم [illegible]

مجموع را در هفت رطل آب بجوشانند تا بنیمه باز آید صاف

کنند و پنج درم مغز خیارچنبر در آن بمالند و دیگر باره

کنند و یک رطل [illegible] درم فانید لعاب [illegible] بنهند

تا غلیظ شود با روغن بادام [illegible]   بسل و [illegible]

و [illegible] درم [illegible] را نافع بود   [illegible]

چهار رطل [illegible] بجوشانند تا [illegible] آید و یک رطل [illegible]

و بجوشانند تا بقوام عسل آید بعد از آن [illegible]

بقوام

و مغز بادام و مغز تخم کدو از هر یک پنج درم کوفته بریان

ممزوج نمایند [illegible] ده درم   سینه را از اخلاط

پاک سازد   مغز بادام [illegible]   [illegible] ده درم

مغز پسته [illegible] درم [illegible] پنج درم [illegible]

از هر یک سه درم فانید شصت درم فانید را در آب [illegible] آرند

و بقوام آورند و لعوق را کوفته با آن بسرشند

ملعقه صباح و شب   سینه را از اخلاط غلیظ

پاک سازد   آب گرم [illegible] بگرم و نیم با نیم [illegible] بسرشند

و بقوام آورند بعد از آن مغز چلغوزه و مغز پسته [illegible]

و ادویه [illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible] بریان کرده و

حلبه از هر یک پنج درم مغز پسته [illegible] درم کوفته با آن

بسرشند [illegible] پنج درم با شیر [illegible]   [illegible]

مزمن

وضیق النفس را نافع بود و سینه را از اخلاط پاک

سازد   مغز جلغوزه بیخ سوس صمغ عربی

کتیرا تخم کتان بریان کرده دانه خرما از هر یک

نیم درم با سه رطل عسل و دو رطل روغن گاو سرشته

بر آتش نرم پخته چون شربتها در روز [illegible] اخلاط [illegible]

وخشونت سینه را نافع بود   صمغ عربی کتیرا از [illegible]

رب السوس [illegible] از هر یک چهار درم مغز بادام [illegible] درم

تو در [illegible] بعسل سرشته   ربوب ضیق النفس [illegible]

نافع   تخم کتان بریان کرده [illegible] ده درم

با [illegible] روغن [illegible] دام و [illegible] درم [illegible] سرشته

همین خاصیت دارد   [illegible]

مغز بادام از هر یک ده درم مغز جلغوزه [illegible] درم

بیخ سوس [illegible] هفت درم صمغ عربی کتیرا از هر یک سه درم

بعسل صاف لعوق سازند   همین منفعت دارد

مغز جلغوزه [illegible] درم مغز بادام [illegible] چهار درم

بیست [illegible] درم بعسل سرشته لعوق سازند

اسهال صفرا کنند   [illegible]

الو [illegible] از [illegible] داره [illegible] از

هر یک [illegible] درم گل سرخ چهار درم عناب [illegible]

[illegible] هر یک دو درم [illegible]

[illegible] هر یک [illegible] درم [illegible] رطل [illegible]

تا [illegible] صاف کنند [illegible]

[illegible] در آن حل کرده بنوشند   حمیات

حمیات حاده را نافع بود و صفرا دفع کنند

سنا مکی هفت درم گل سرخ عنب الثعلب سپستان از
هر یک سه درم عناب سپستان آلو سیاه از هر یک بیست عدد
گل سرخ چهار درم در سه رطل آب بجوش شند تا
بنیمه اید صاف کنند و تمر هندی و شیرخشت از هر یک
ده درم ترنجبین بیست درم دران حل کنند و [illegible]
معده گرم و ضعیف را نافع بود   اسهالی [illegible]
گل سرخ سه درم تمر هندی بیست درم [illegible] درم گل
[illegible] بجوش شنید صاف کنند و تمر هندی
دران حل [illegible] و یکدرم ایارج فیقرا [illegible]
و از عقب این مطبوخ مسهل شند   صفرا [illegible]
بلغم و سودا را دفع کنند و امراض سوداوی را
نافع بود   سنا مکی هفت درم گل سرخ چهار درم

افتیمون در لته بسته و پوست هلیله زرد و هلیله
از هر یک پنجدرم بسفایج فستق [illegible] از هر یک
ده درم [illegible] خشک [illegible] برسیاوشان اسطوخودوس
گاوزبان بادرنجبویه [illegible] از هر یک سه درم
مویز منقی سپستان از هر یکی سی دانه در سه رطل آب
بجوش شند تا به نیمه اید و صاف کنند [illegible] ده درم
[illegible] بروغن بادام چرب کرده و ترنجبین از
هر یک پانزده درم دران حل کنند و بیاشامند   ایارج
[illegible] را نافع بود   سنا مکی هفت درم گل سرخ [illegible] پوست
هلیله زرد [illegible] چهار درم [illegible]
پوست [illegible] بسفایج [illegible] از هر یک
ده درم بادرنجبویه گاوزبان برسیاوشان از هر یک [illegible] درم

جوشانیده صاف کرده ملکمنذ اماده سهم
مرکی بست سیعه دران حل کرده بنوشند کرم حیض
برآید اب رون یکدرم سداب نیم درم رازیانه
ج درم لوبیای سرخ پنجدرم عسل ده درم بجوشانند
وصاف کنند و سه روز متواتر بیاشامند املای صبح وار
لوبیای سرخ حلبه تخم زردک فوه از هریک چهار درم شدام
سه درم در سه رطل اب بجوشانند تا بر ثلث اید صاف کنند
و قدری شکر اضافه نمایند و هر صباح چهار درم بنوشند
املین خاصیت دارد و نافعست مردی انثیلا اگر کنی
ایشان محتبس شده باشد املای در منع تزاید تنفس
سداب بابونه تخم کرفس از هریک ج درم انجیر ع عدد حکمنند
کلمنذ ده سیر بجوشانند و صاف ساخته بنوشند سه روز
متواتر

متواتر بخورند و سه روز دیگر استراحت نمایند باز
سه روز دیگر بنوشند و همچنین عمل میکنند تا ادرار تمام
واقع شود در تنقیه عادت معزا دفع کنند
وصداع حار را نافع بود پوست هلیله زرد ده درم
الوساه سپستان عناب از هریک بیست عدد تمر هندی بیست درم
معه تخم کاسنی از هریک سه درم ... ج درم شکر
چغندر ده درم شب در یک ده درم خیسانند و صباح صاف
کرده بیاشامند صداع و تشنگی بنشاند
الو سیاه و الوی زرد و سپستان از هریک بیست عدد
تمر هندی ده درم زرد الوی خشک ده عدد سپید ده درم
مرکی بیست درم شب خیس کنند و صباح صاف کرده بنوشند
صداع حار را نافع بود اب کاسنی سبز سهم

صبر سقوطری چهار درم در آن حل کنند و سه روز در آفتاب

[illegible] در حب های گرمابه بنهند [illegible]

بیاشامند   نوع دیگر صداع بلغمی را نافع

بود   سعد سنبل اسارون فقاح اذخر کرفس [illegible]

انخواه زیره کرمانی از هر یک [illegible] [illegible]

[illegible] درم صبر در آن [illegible] [illegible]

در آفتاب [illegible] [illegible] چهارم صاف [illegible] [illegible]

با سه درم روغن [illegible]   نسخه دیگر صداع [illegible]

[illegible]   اسارون ده درم [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] از هر یک [illegible] درم صبر سقوطری

[illegible] درم [illegible] [illegible] در سه رطل آب [illegible]

و سه روز در آفتاب بنهند [illegible] چهارم صاف کنند [illegible]

با یکدرم روغن [illegible]   [illegible]

56

در باب الامراض نقرس و اوجاع مفاصل [illegible]

را نافع بود   پوست بیخ بادیان پوست بیخ کرفس [illegible]

[illegible] از هر یک ده درم [illegible]

[illegible] زیره کرمانی نانخواه از هر یک [illegible]

انجیر زرد و مویز منقی از هر یک [illegible] درم در سه رطل

آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند هر روز [illegible]

با ده درم [illegible] بیاشامند   اوجاع مفاصل حار را

نافع بود   عناب سپستان از هر یک [illegible]

بیخ کاسنی پوست بیخ بادیان از هر یک ده درم [illegible]

از هر یک پنج درم [illegible] سه درم در سه رطل آب [illegible]

تا به نیمه آید صاف کنند هر روز [illegible] درم با ده درم [illegible]

بیاشامند -- لقوه و فالج و صرع و جمیع امراض [illegible]

دستور دادن داروهای منافع از استسقا و حصاة را اصلی
نفع دهنده جگر و سپرز نیک باید   پوست بیخ کرفس
پوست بیخ بادیان از هر یک ده درم پوست بیخ کبر تخم کرفس اسارون
تخم کرفس انیسون ... اذخر از هر یک چهار درم جنطیانا
اسارون از هر یک ... درم سلیخه جنطیانا از هر یک
... درم زیره عود بلسان تخم بزیدان ... از هر یک
... درم ... درم در ... آب بپزند تا ... آید
... روغن ... انجیر ... درم ...
باران ...   ... جگر و سپرز نیک باید و برود ...
معده و جگر و سپرز را ... پوست بیخ کرفس
پوست ... از هر یک ... درم ... اذخر ...
از هر یک ... درم سنبل و مصطکی از هر یک یکدرم
قوه

57

قوه لک مثقال عود بلسان از هر یک ... درم ...
انیسون گل ... با دارو ... پوست بیخ ... از هر یک
... درم انجیر ده ... مویز منقی بیست درم در ... رطل آب
تا به ... آید صاف کنند ... درم با یکدرم ...
... و یکدرم روغن ... شیر ...
... در ...
... درم پوست ... گل ... کنند ...
از هر یک ده درم ... پنجاه درم در ... آب ... تا به نیمه
آید ... بدارند   صداع ...
با ... اکلیل الملک ...
الف ... بخار ان بدارند
صداع ... دارد   با بونه اکلیل الملک

برگ کرفس را با تخم کرفس و پودنه مرزنگوش صعتر
شبت جوش دهند و سر به بخاران بدارند
صداع سوداوی را نافع بود   سفوف اکلیل الملک بابونه
سوسن بیخ ... و ... جوش دهند و سر به
بخاران بدارند   گرانی گوش را اگر از تخمه
بهل ... باشد و بر آن بخارات بود
زایل گرداند   بابونه اکلیل الملک قیصوم از
هر یکی ده درم تمام مرزنگوش ادخر پوست ... را بابونه
پوست بیخ کرفس گل سرخ از هر یکی پنج درم در ده ...
آب بجوش دهند تا به سه یک آید و سر گوش بخاران بدارند
... الم را از اعضا ببرد   گل سرخ ... درم
بنفشه ... صندل سرخ و سفید ... گل ...

تخم کاهو از هر یکی چهار درم در هفت ... آب
بجوش دهند تا به سه یک آید صاف کنند و چون از حمام
بیرون خواهند آمد بر اعضا ریزند   که صداع ...
حار و سهر را نافع بود   ... گشنیز ...
... کاهو ... گل ...
... کاهو برگ بید گل ... جوش دهند
سر به بخاران بدارند   ... کرده ... را
پاره پاره کنند و بر سر ... بپوشانند   بابونه
گل سرخ اکلیل الملک ... از هر یکی ده درم ...
... ... از هر یکی ...
... از هر یکی ... درم
... از هر یکی چهار درم ... بنفشه از هر یکی
... درم

و دو قطره برگ ... [illegible] ... سعتر و برده حب

بجوشانند تا به تحلیل آید و در آن نشینند و چون

بیرون آیند دو سه قطره روغن مجرب ... [illegible]

حیلی حقنه — همین منفعت دارد بابونه [illegible]

ترب ... برگ کرنب برگ ترب ... [illegible]

... پوست ... اکلیل الملک بجوشانند

تا نرم شود در آب نشینند و ... از ابرعا ... کنند

افراط طمث را نافع بود — گل سرخ و برگ مورد

از هر یک ده درم شب یمانی و مازو نیم کوفته و گلنار از

هر یک پنج درم پوست انار نیم کوفته و جوز السرو

کزمازج از هر یک سه درم اقاقیا ... درم ... درم بجوشانند

را بجوشانند و در آن نشینند و قرص کهربا در آب

مورد

مورد بنوشند — کرمی ... حلیل کنند ذکر

... پیش از وقت بیرون آید — گل سرخ ... درم

گلنار و کزمازج از هر یک پنج درم برگ مورد خشک چهار درم

شب یمانی پوست انار و مازو و از هر یک پنج درم بجوشانند

در آب آن نشینند — سده بینی بگشاید [illegible]

کزوان ... بجوشانند و سر بر بخار بدارند

در سعوطات — که صداع گرم و خشک را نافع بود

آب کاهو و روغن نیلوفر از هر یک یک جزو و شیر دختران

نیم جزو به یکدیگر ممزوج ساخته در بینی چکانند

که صداع بلغمی و ریحی و دوار سود نافع بود

صبر مر ... حضض ... کندر ... سنبل ... سعتر زعفران

دار فلفل فلفل سعد از هر یک یک درم ... [illegible] درم

مشک نیم درم کوفته و بیخته به آب مرزنگوش یا به شبت
قرص سازند و در وقت احتیاج با آب مرزنگوش
بسایند و در بینی چکانند که سکته و لقوه را
سود دارد زهره کلنگ با آب مرزنگوش یا به آب سلق
بسایند یا جنده بیدستر یا ماء العسل در بینی چکانند
که صداع حار را نافع بود روغن بنفشه
بادام و روغن نیلوفر و روغن کدو و آب کاهو آب کاسنی
شیر دختران ساده به هم بیامیزند و در بینی چکانند
که فالج و لقوه را مفید بود صبر و شونیز بوره
ارمنی [illegible] در آب چغندر حل کرده در بینی چکانند
که سرسام و صداع حار را نافع باشد آب امرود
عرق بید صندل کافور به یکدیگر مخلوط ساخته
در بینی چکانند

در بینی چکانند که صداع بارد و نسیان را زایل کند
جوز بوا درمنه ترکی قرنفل مرزنگوش از هر یک ملعقه
[illegible] چهار [illegible] کوفته و بیخته با آب مرزنگوش در بینی
چکانند که خنازیر را نافع بود دار فلفل [illegible]
شیطرج از هر یک یک درم مشکطرامشیع و تخم [illegible]
از هر یک سه درم با شکر و روغن گل در بینی چکانند
فالج و لقوه و شقیقه و جمیع امراض بارده رطبه را که
در سر و چشم باشد نافع بود حضض هر از
هر یک ده درم علک و صعتر از هر یک پنج درم صمغ عربی
و سداب و زهره کلنگ و جاوشیر و شونیز و هندبا از
هر یک سه درم نبات و زعفران از هر یک نه درم
صبر و فرفیون از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با آب [illegible]

قرصها سازند هر یک مقدار عدسی در وقت حاجت
یکی از آن با آب مرزنگوش و روغن معصره بادام
سائیده در بینی چکانند رعاف را باز دارد
کاغذ سوخته پوست بیضه سوخته اقاقیا مازو
در سرکه انداخته و سوخته پوست انار زرشک کندر
مر صدف سوخته شب و بیخ مقل کافور از هر یک
قدری با آب بادروج در بینی چکانند در قطور
با منفعت ان جهت قرحه گوش و چرکی که از گوش آید
پاک سازد انزروت صبر زبد البحر بوره ارمنی
دم الاخوین کندر مر زنگار [illegible] الحدید کوفته
و بیخته بسرکه در گوش چکانند بعد از آن اگر چند نوبت
ماء العسل چکانند باشند و فتیله را بعسل تر ساخته
و با ادویه مذکوره آلوده کرده در گوش نهند
قطور

کرم در گوش که از کرمی باشد ساکن کنند
روغن گل شش درم روغن بادام شیرین یک درم سرکه
ده درم با آتش نرم بجوشانند چندانکه سرکه
برود و روغن بماند نیم گرم در گوش چکانند
گرد چرک گوش بار و [illegible] نافع بود افیون
جندبیدستر از هر یکی دو درم در آب [illegible] بجوشانند
تا بقوام آید در روغن کنجد حل کرده نیم گرم
در گوش چکانند کرم [illegible] کرم گوش را
نافع بود کندر زعفران فرفیون جندبیدستر خربق
سفید از هر یک سه درم نطرون بوره ارمنی از هر یک
دو درم و نیم کوفته و بیخته در شراب حل ساخته در
گوش چکانند کرم گوش را بکشد

اقاقیا شنفا لوداب برگ قثا تلخ و برگ مورد
از هر یک پنج درم خرنوب سفید و بوره ارمنی و صمغ عربی
در شیافی فرو رادند از هر یک یکدرم کوفته
و بیخته با بهای [illegible] با دیده دود در افتاب تا
خشک شود و بعد ازان بسایند و در کوکب جمع کنند
که حرکت در احلیل چکانند قرحه و سوزش احلیل
را نافع بود   سفیداب قلعی کندر انزروت
صمغ عربی نشاسته دم الاخوین [illegible] کوفته
بیخته [illegible] زنند و در وقت احتیاج یک از
ان با شیر دختران بسایند بچکانند
اگر [illegible] را ببرد   اسفیداب و [illegible]
بجهت [illegible] تا به نیم اید [illegible] در چشم [illegible]
[illegible] ربیع

در شیافات علل   سلاق و غلظة

شادنج مغسول
اجفان و رمد را در انتها نافع بود
مغسول ده درم مس سوخته هشت درم صمغ عربی و کثیرا [illegible]
[illegible] از هر یک [illegible] درم [illegible] مروارید ناسفته
از هر یک
هندی از هر یک چهار درم دم الاخوین و زعفران
یکدرم [illegible] کرده شیاف سازند   سنبل [illegible]
و سلاق و بیاض را نافع باشد   شادنج مغسول
مغسول شش درم صمغ عربی پنج درم مس سوخته [illegible]
از هر یک [illegible] درم افیون صبر سقوطری از هر یک نیم درم [illegible]
[illegible] درم و نیم زعفران [illegible] از هر یک دانگ [illegible]
[illegible] بیخته شیاف سازند   جرب و سبل و [illegible]
را نافع بود   زنگار [illegible] درم اقلیمیا [illegible]

اشق صمغ عربی سفیداب ارزیز از هر یک ده درم
صمغ و اشق را در گلاب حل کنند و ادویه
دیگر را کوفته و بحریر بیخته بدان بسرشند و شیاف
سازند [illegible] لمنه و جرب و سبل و سلاق و ظفره
نافع باشد صفت زنجار شش درم صمغ عربی و اشق
از هر یک چهار درم اقلیمیا طلا افیون از هر یک دو درم
بارزد یکدرم کوفته و بیخته با آب سداب شیاف سازند
نوع دیگر که نافع است جرب و باخره سبل و بیاض
قلقطار سوخته و سنگ بوره ارمنی کف دریا از هر یک سه درم
زرنیخ سرخ [illegible] نوشادر [illegible] ربع [illegible] اشق [illegible]
اشق را در آب سداب حل کنند و ادویه را نرم کوفته
شیاف سازند وقت حاجت بکار برند
کمند جرب

63

لمنه و جرب و سلاق و استرخای جفن دیگر

سبل را سود دارد [illegible] شادنج عدسی
مغسول دوازده درم صمغ عربی ده درم زنجار
و قلقل سوخته از هر یک پنجدرم مس سوخته چهار درم
افیون و زعفران از هر یک یکدرم به آب باران
شیاف سازند رمد کرم را نافع بود
سفیداب
در صمغ [illegible] را [illegible] تحذیر کند
ارزیز سوخته درم صمغ عربی پنجدرم افیون و کتیرا
از هر یک یکدرم با سفیده تخم مرغ شیاف سازند
اسبیداج [illegible] را نافع است
سفیداب ارزیز سوخته درم انزروت مربی به شیر خر
و کتیرا از هر یک چهار درم با سفیده تخم مرغ شیاف سازند

قرحه و نبرا نافع بود و گوشت برویاند
ن آن اشق انزروت از هر یک پنج درم
کندر ده درم زعفران ده درم بلعاب حلبه شیاف
سازند قرحه و موسرج را نافع بود
حرارت بنشاند و خون را برزند
ابار سوخته سرمه اصفهانی توتیا کرمانی مس سوخته کثیرا
صمغ عربی از هر یکی شش درم افیون نیم
درم اقلیمیا طلا و سفیداب قلعی از هر یک شش درم
کندر چهار درم با آب باران شیاف سازند
زنجار بکرر واز بعلاج اورد شیاف با
و انزروت مربا از هر یک شش درم زعفران
ده درم افیون نیم درم کثیرا امیدرم کوفته و بحریر
بیخته

بیخته به آب باران شیاف سازند و بر سفیده مرغ
در چشم کشند نسخه مجهز اکثر بیاض برد
نافع بود و حدت آن کمتر از حدت ابیض ا
و بهتر و سبکترین شیافات و در دانست صمغ گل ربیع
چهار ... زعفران و سفیداب ارزیز از هر یکی افیون
صمغ عربی از هر یک کثیرا نشاسته سازند
صعوبت درد چشم را در ساعت بنشاند
ورق گل سرخ پانزده درم زعفران هشت درم افیون
ده درم سنبل الطیب دو درم صمغ عربی یک درم با آب باران
سازند شیاف قرحه و بخیه و بثره و موسرج و سبل و قرنیه
و عنبیه و ملتحمه المده و رمد کهنه را نافع بود صفت

برگ گل تازه و شادنه مغسول اقلیمیا نقره محرق مغسول و صمغ عربی
صمغ عربی از هر یک ۳ درم زعفران سه سبع افیون دو درم
از هر یک سه سبع زنگار روبال النحاس سنبل هندی از هر یک
سه سبع مر صاف چهار سبع با آب باران شیاف بسازند
شیاف ظفره و شیخ زاید را نافع بود
شیاف [illegible] سنبل دوازده درم صمغ عربی و مس سوخته
از هر یک شش درم قلقطار سوخته و زنگار از هر یک
دو درم با آب باران شیاف زنند شیاف باد دیاره
پدا بر آکنده کنند و اکس [illegible] صفت آن
مس سوخته سه درم اقاقیا دو درم کثیرا صمغ عربی
سنبل و زعفران از هر یک یکدرم با آب باران شیاف زنند
نافع باشد اگر در چشم ریح و جرب باشند
ببندند

65

کشیدن و طلا کردن صفت آن مس سوخته
افیون از هر یک یکدرم و نیم زعفران شیاف مامیثا
از هر یک نیم درم مروارید ناسفته و بسد از هر یک یکدرم
اقاقیا پنج درم با آب باران شیاف سازند
رمد و حرقت و غلیان و دمعه و سبل را که پیران حرارت
باشد نافع بود [illegible] اقلیمیا طلا
و سفیداب ارزیز [illegible] امرن از هر یک
چهار درم مس سوخته [illegible] سنبل الطیب
از هر یک یکدرم و نیم [illegible] شیاف چند
درم با آب [illegible] شیاف زنند
جرب و ظفره دا [illegible] را ابتدا اقلیمیا نقره
[illegible] نافع بود

اقلیمیا طلا مرداسنگ ناشسته از هر یکی دو درم
کافور و مشک از هر یک دانگی طلا بر کرده [illegible]
باب باران شیاف سازند [illegible]
بنزول و بیاض چشم را نافع بود [illegible]
مربا شیاف مامیثا از هر یک هشت درم [illegible]
بوره ارمنی فلفل ابیض از هر یک چهار درم زرنیخ زرد
دو درم زعفران یک درم و نیم شیاف سازند
پوست هلیله توتیا هندی از هر یک پنج درم [illegible]
صمغ عربی از هر یک سه درم زعفران یک درم مالیده بآب باران
شیاف سازند مفید جرب و خارش و سوزش و
محو را نافع بود [illegible]
سیاه و پیه بالا باشند و باز بکوبند تا غلیظ [illegible]
[illegible]

تا سرد شود و ده درم سفیداب ارزیز بدان [illegible]
و شیاف زنند و بعضی آب [illegible] را بجوشانند
تا غلیظ میشود و گردسان بدان سرشند و شیاف زنند
سودای را نافع بود [illegible] از ارزیز
اقلیمیا از هر یک ده درم افیون و نشاسته از هر یک
یک درم و نیم بطریق معمول شیاف زنند شیاف
سبل و ظفره و جرب را نافع بود و چشم را جلا دهد
اقلیمیا طلا و سفیداب ارزیز از هر یک ده درم کثیرا و صمغ
از هر یک پنج درم مرداسنگ ناشسته سه درم [illegible]
از هر یک [illegible] دو درم زرنیخ سرخ نبات سفید اقاقیا از هر
نیم درم افیون هفت درم زعفران [illegible]
روی سوخته از هر یک سه درم بکوبند و بیخته شیاف [illegible]

شیافی که استرخاء جفن و تاریکی بصر را سود دارد

نزول آب را نافع بود صفت آن اقلیمیا طلا

فلفل سیاه افیون از هر یک چهار درم صمغ عربی

و شیاف مامیثا از هر یک هشت درم انزروت

و نمک هندی و زرنیخ زرد از هر یک یکدرم بوره

ارمنی دوازده درم به آب باران در ایام [illegible]

شیاف زنند شیافی که جرب و باد کمل را

نافع بود صفت آن صمغ عربی و سفیداب

ارزیز و زنگار با آب سداب شیاف زنند

صفت آن صبر کندر کلنار فارسی و انزروت

و دم الاخوین [illegible] از هر یک [illegible] از هر یک

یکدرم زنگار یکدرم [illegible] شیاف زنند

67

شیافی که ظفره را نافع بود صفت آن روی سوخته

پنجدرم زنگار ده درم نوشادر قلقند بوره

ارمنی از هر یک یکدرم زرنیخ نیم درم سرکه [illegible]

دیگ [illegible] بگذارند پس شیاف زنند

ظفره را نافع بود صفت آن روی سوخته پنجدرم

زنگار ده درم نوشادر قلقند بوره ارمنی از

هر یک یکدرم زرنیخ نیم درم کندر مر زعفران

از هر یک یکدرم زرنیخ سرخ نیم درم شیاف

زنند و بآب شیر در چشم چکانند

شیافی که انتشار [illegible] را سود دارد

صفت آن زهره کلنگ زهره [illegible]

زهره بزکوهی زهره باز زهره عقاب [illegible]

مجموع را خشک کرده ده درم تخم حنظل
و سکبینج و فرفیون از هر یک یک درم با اب [illegible]
شیاف سازند صفت شیاف ابرد ابتدا
نزول الماء نافع بود صفت ان زهره باشق
زهره عقاب زهره خروس زهره روباه زهره شوط
خشک کرده مثل یک درم با اب رازیانه شیاف سازند
صفت شیاف ابرد ابتدای اب را نافع
باشد زهره باشه زهره عقاب
زهره خروس زهره روباه شیاف مامیثا و مامیران
چینی سادج با اب رازیانه شیاف سازند
حکه و جرب و سلاق و ظلمت
و سبل و ظفره و خشونت اجفان را نافع
صفت ان

توتیا مغسول شش درم مامیران
چینی و شیاف مامیثا از هر یک پنج درم دار فلفل
زنجبیل زبد البحر حضض پوست هلیله زرد
از هر یک سه درم زعفران دو درم کتیرا صمغ عربی از هر یک
درهمی با اب [illegible] پرورده شیاف سازند
خیالات و ابتدای اب را نافع بود صفت ان
حلتیت خربق سفید از هر یک ده درم سکبینج
سه درم بعسل سرشته شیاف سازند
در المحال بصر را قوه دهد و تیز
گرداند صفت ان سرمه اصفهانی
هفت درم [illegible] پنج درم
اقلیمیا [illegible] دوازده درم مرداسنگ

سه درم زعفران نیم درم سادج هندی دو درم
سلایه کنند در چشم کشند صفت ان سرم
اصفهانی توتیا هندی از هر یک ده درم مامیثا
مرجان سرخ دهنه فرنگی عقیق سرخ ورق طلا ده نقره
مامیران چینی فلفل سفید دار فلفل اقلیمیا طلائی
اقلیمیا نقره روی سوخته از هر یک چهار درم سرطان
بحری مروارید ناسفته سادج هندی از هر یک
شش درم یاقوت سرخ لاجورد شسته زعفران
توتیا سنگ سه درم صلایه کرده استعمال نمایند جلا
شیافی که جهت حفظ تاریکی چشم و دمع
و سیلان نافع بود صفت ان زعفران
سنبل از هر یک ده درم دار فلفل یکدرم فلفل سفید
[illegible]

۵۶
و کافور از هر یک دانگی و نیم نوشادر نیم درم
مازو سه درم توتیا و بیخته در چشم کشند شیاف ابیض
توتیا مغسول ده درم نشا کهربا بلیله زرد صبر انزروت سپید
چهار درم فلفل نیم درم دار فلفل یکدرم کوفته
و بیخته استعمال نمایند شیاف ضعف بصر و دمعه را
نافع بود صفت مس سوخته شادنج عدسی مغسول
از هر یک پنج درم فلفل دار فلفل تخم حنظل زعفران از هر یک
نیم درم زنگار بوره ارمنی صبر سقوطری از هر یک یکدرم
اقلیمیا سه درم توتیه و بیخته در چشم کشند
بصر و بیشتر گرداند و تاریکی چشم ببرد و دمعه و سبل را
نافع بود صفت ان سرمه اصفهانی سوخته بیدرام
اقلیمیا طلا و نقره شادنج عدسی مغسول توتیا هندی

مس سوخته از هر یک [illegible] درم پوست هلیله زرد و شاه [illegible]
فلفل دار فلفل نوشادر صبر سقوطری حضض مکی زعفران
سرطان بحری از هر یک یکدرم زنجبیل نیم درم کافور
نیم دانگ مشک خطائی ربع حبه قرنفل دو دانگ صلایه
کنند و در چشم کشند بصر را قوة دهد و
دمعه باز دارد و حکه جفن را نافع بود

شادنج عدسی شادنج هندی از هر یک دو درم
دار فلفل دم الاخوین از هر یک نیم درم روی سوخته
نوشادر از هر یک نیم درم قاقله و مشک از هر یک دانگ
کافور یک طسوج کوفته و بیخته استعمال نمایند
تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه سود دارد
شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دار [illegible]

70

دانگ روی سوخته دار فلفل سنبل الطیب از هر یک
نیم درم شادنج هندی دو دانگ قاقله و قرنفل نیم دانگ
از هر یک دانگی کافور نیم دانگ کوفته و بیخته
استعمال نمایند تاریکی چشم و ابتدای
نزول و دمعه و جرب و سبل و ظفره و شرناق
نافع بود زبد البحر اقلیمیا نقره از هر یک
ده درم نمک هندی ساذج هندی سفیداب ارزیز
فلفل دار فلفل سنبل الطیب سرمه اصفهانی از هر یک دو درم
نمک هندی قرنفل اشنه از هر یک یکدرم صبر
سقوطری عصاره مامیثا مس سوخته از هر یک یکدرم
مرتک ورد مامیران زرد چوبه از هر یک سه درم توتیا
هلیله زرد دهی ده درم کوفته و بیخته استعمال نمایند

شیافی که منافع آن قریب بمنافع کبریت
صفت آن اقلیمیا نقره پنج درم روی سوخته
دو درم و نیم سفیداب ارزیز نمک اندرانی نوشادر
جعده فلفل دار فلفل از هر یک نیم درم کوفته و بیخته
در چشم کشند شیاف جرب سبل و تریاق و ضعف
باصره را نافع بود صفت آن توتیا کرمانی و شیح محرق
مغسول از هر یک ده درم مرداسنگ زعفران شش درم
نبات سفید پنج درم [illegible] کثیرا استعمال نمایند
قرح و سرخی را نافع بود صفت سفیداب ارزیز
هشت درم اقلیمیا نقره و صمغ عربی از هر یک چهار درم
روی سوخته یکدرم [illegible] افیون از هر یک [illegible] درم
کوفته و بیخته در چشم کشند شیاف جرب سبل و سلاق
و بیاض

71

گوشت برویاند و خون رفتن از جراحت باز دارد
صفت آن نافع بود انزروت مرکندر دم الاخوین مساوی کوفته
و بیخته استعمال نمایند که گوشت فاسد را بخورد و سر جراحت
به بندد و [illegible] در وقت [illegible] در اول جراحت
بیک بار [illegible] گوشت برویاند انزروت چهار درم
دم الاخوین دو درم گل مختوم مرداسنگ مرکندر از هر یک یکدرم
گل ارمنی شیاف مامیثا از هر یک یکدرم صبر سقوطری زراوند
دحرج از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند
[illegible] کرم و [illegible] را نافع بود
[illegible] از هر یک [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] در [illegible] نهند در سه روز خشک شود
در [illegible] ضعف اسنان را نافع بود

سورنجان قرنفل سعد کزمازج یوت هلیله زرد صندل سفید

گل سرخ مساوی کوفته و بیخته سنون نمایند آنافعست

از جهت درد دندان که بسبب ان ورم لثه باشد تخم خرفه

کشنیز خشک سماق عدس مقشر صندل سفید عاقرقرحا

مساوی کوفته و بیخته بر لثه و دندان افشانند

بعد از آنکه گلاب و سرکه را یک ساعت در دهان نگاه داشته

باشند که بیخ دندان سخت کند و خون باز دارد

شاخ گوزن سوخته نمک اندرانی سوخته یوت

هلیله زرد گل سرخ از هر یک ده درم گلنار یکدرم کوفته و بیخته

بر لثه و دندان افشانند که دندان محکم کند و خون

رفتن باز دارد و بوی دهن خوش کند

هلیله بلیله املج … گل سرخ گلنار اقاقیا … مازو

[illegible]

عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته سنون سازند

که ناسور لثه را باصلاح آورد بیخ سرکه عاقرقرحا

از هر یک یکدرم شب یمانی گلنار فارسی مازو سماق

از هر یک … درم کوفته و بیخته استعمال نمایند

زردی و سیاهی از دندان ببرد و بوی دهان خوش کند

… کزمازج زنجبیل زبد البحر دارفلفل قاقله از هر یک … درم

نمک بریان کرده ده درم جو سوخته … درم کوفته و

بیخته سنون سازند درد دندان را نافع بود

بوی دهن خوش کند مرابهل … السوی …

مساوی کوفته و بیخته سنون سازند خون رفتن

از لثه باز دارد و بو دهان خوش کند شب یمانی …

… ده درم کوفته و بیخته که نافعست

از جهة درد دندان که سبب آن رطوبت باشد

فلفل دو درم و نیم بوره ارمنی یکدرم و نیم عاقرقرحا زنجبیل

مویزج از هر یک یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند

اقلاع را نافع بود و بوی دهن خوش کند و بیخ دندان

را محکم کند   شیاف نافع مثل طباشیر گل سرخ کلسنه الکحل

پوست بیدرز و گلنار فارسی برگ زیتون کزمازج شب یمانی

مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند   خون ریختن

بیخ دندان باز دارد   کات هندی فوفل گلنار ریشه سرخ

سماق دم الاخوین مساوی کوفته و بیخته شب یمانی

وصباح بکلاب و آب سماق مضمضه کند   الکه دهن

و لثه را نافع بود   پوست انار ترش و شیرین

از هر یک سی درم مازو گلنار شب یمانی کاغذ سوخته عاقرقرحا

از هر یک ده درم

73

از هر یک ده درم سماق پانزده درم نمک هندی و نوشادر از

هر یک پنجدرم کوفته و بیخته به سرکه سرشته و گلولها بندند و در

خشک کنند و در وقت حاجت دیگر باره بکوبند و استعمال نمایند

استرخای دو درم لثه را نافع بود و دندان را از حرکت باز دارد

پوست انار ده درم گلنار فارسی زرد چوبه سماق شب یمانی

مازو از هر یک دو درم کوفته و بیخته سنون زنند   در غرغرات

از جهة ثقل لسان که سبب آن بلغم   نوشادر سه درم زنجبیل

نمک هندی شونیز عاقرقرحا مویزج صعتر ایارج فیقرا ایرسا از هر یک سه درم

بوره ارمنی و وج از هر یک پنجدرم زوفا دارفلفل از هر یک ده درم کوفته

و بیخته بعسل سرشته و با سکنجبین غرغره نمایند   قروح حلق را

نافع بود   زاج سفید و سیاه و کاغذ سوخته و مازو سبز و کندر

و خاو زعفران از هر یک یکمثقال نمک سوخته نوشادر از هر یک نیم ...

کوفته و بیخته به سرکه غرغره نمایند ترهبان منفعت دارد

کندر یکدرم مازو سوخته بلیله زنگار نیم درم کاغذ فرنگی سوخته

یکورق زعفران دو دانگ کوفته و بیخته در سرکه و عسل حل کرده نیم گرم غرغره نمایند

فالج و لقوه و صرع را نافع بود و سر و دماغ را از اخلاط غلیظ

پاک سازد ایارج فیقرا دو درم موبزج عاقرقرحا

زنجبیل فودنج صعتر اصل السوس بیخ کبر بعسل غرغره کنند

که سکته و فالج و ثقل لسان را نافع باشد موبزج خردل

زنجبیل عاقرقرحا فلفل دارفلفل بوره ارمنی [illegible]

کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره کنند که قلاع و ذبحه و [illegible] را نافع

سماق برگ مورد گل سرخ [illegible] جوش بدهند صاف کرده با رب توت

غرغره نمایند که سقوط لهات را اگر از رطوبت باشد نافع بود

فلفل [illegible] شش درم [illegible] دو [illegible]

اقماع الرمان

74

اقماع الرمان و تخم گل از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته

در رب توت غرغره نمایند قلاع سوداوی را نافع بود

سماق گل سرخ گشنیز گلنار برگ مورد خرنوب جوشانیده

غرغره کنند منافعت از جهت [illegible] نزله باشد

گل سرخ گلنار خرنوب جوشانیده صاف نموده [illegible] از

غرغره صلابت طحال را نافع بود

در ضمادات

مقل [illegible] درم اشق یکدرم [illegible] اکلیل الملک

کتان حلبه بابونه [illegible] سنبل از هر یک نیم درم انجیر زرد

و چهار درم کوفته و بیخته به روغن [illegible] روغن بابونه

ضماد [illegible] درم [illegible] جگر را نافع بود

[illegible] گل سرخ صندل [illegible] از هر یک چهار درم

الذریره [illegible] کافور یکدرم کوفته و بیخته با [illegible]

که همان خاصیت دارد   جو در سرکه خیسانیده با مهرا

شو بنجدرم طباشیر سفید فوفل از هر یک نیم درم ابریشم و رق

گل سرخ قصب الذریره صندل سفید سنبل [illegible] از هر یک

یکدرم کافور دانگی کوفته و بیخته در لعاب کتان با لعاب

دیر موضع زخم جگر اندازند   شکم بند بود و اسهال معوی

و انافع بود   اما قیام را اطبا کنند سعد اذخر سنبل مصطکی

از هر یک پنجدرم کعک ده درم کوفته با آب صمغ کنند

معده بارد را اکرم و تقویت دهد   قسط مصطکی سنبل

انیسون خولنجان از هر یک پنجدرم اذخر اسارون قرنفل دار چینی

قصب الذریره از هر یک دو درم کوفته و بیخته با آب صمغ بسرشند

کرده کرم کهنه معده را تحلیل دهد   مثل حب بان تخم کرفس از

هر یک ده درم سنبل الطیب اشق مصطکی از هر یک پنجدرم

موم سه درم

75

موم سه درم روغن ناردین پانزده درم صمغها را

در شراب حل کنند و بلتع ادویه را کوفته اضافه نمایند

و با موم و روغن با ضماد نمایند   معده و جگر کرم را

نافع بود   صندل سرخ و سفید و گل سرخ و شیاف ممیثا

و کافور کوفته و بیخته با لعاب اسبغول و قدری سرکه ضماد باشند

که استسقا زده دار استسقی را اگر با حرارت باشد نافع بود

اروی سعد شک کوسفند کهنه بوره ارمنی گل ارمنی مساوی

کوفته و بیخته با سرکه ضماد کنند   که نفخ طحال را سود دارد

و صلابت را نرم کند   سداب ده درم بوره ارمنی و بوره نمک

از هر یک سه درم اشق هفت درم کوفته و با سرکه کهنه ضماد کنند

صلابت طحال را نافع بود   اشق و مقل بوره ارمنی

نمک هندی از هر یک چهار درم اشنه دکرنا و از هر یک

شش درم سرالب هشت درم کوکرد ده درم انجیر زرده

انجیر را در سرکه بپسند واشق ومقل را دران بگزارند وبا

ادویه را کوفته وبیخته اضافه نمایند وضماد نمایند

مرهم جمیع رحم وبواسیر سودمند تسکین دهد زعفران افیون

[illegible] از هر یک سه درم خطمی وتخم کتان از هر یک پنج درم

[illegible] یک نسفه به روغن استخوان بزدالو ضماد کنند

نافع است جوز السرو وصبر ورق سرالب بار زد [illegible]

[illegible] کوفته وبیخته بر روغن [illegible] ضماد سازند

[illegible] با ادرار بار در اکلیل دهد

[illegible] ان اگر کوفته [illegible] ضماد نهند

بدر [illegible] بیرون کشد

ضماد سازند

برودت معده وکبد وطحال را نافع بود

سنبل سلیخه [illegible] از هر یک سه درم عود بلسان زعفران از هر یک

ده درم موم سفید هشت درم موم را در روغن ناردین [illegible]

[illegible] روغن [illegible] بگذارند وباقی ادویه کوفته وبیخته بان سرشته

ضماد کنند لقوه وفالج وصداع ودرد شقیقه [illegible]

نافع بود نزلات را از چشم منع کند چون بر صدغ [illegible] ضماد سازند وچون

بر [illegible] ضماد کنند بول براند وچون بر گزیدگی عقرب [illegible]

[illegible] وچون بر شکم ضماد سازند [illegible]

نافع بود روغن الحمام ده درم موم سفید ده درم [illegible]

روغن زیت چهل درم موم در [illegible] روغن زیت [illegible]

ودر [illegible] الحمام را کوفته وبیخته اضافه نمایند وضماد سازند

[illegible] اگر بر معده نهند قی آورد واگر بر ناف ضماد کنند [illegible] براند

و اگر بر عانه نهند حیض بگشاید — زرنیخ گاو بیعصاره

قثاء الحمار را از هر یک سه مثقال خربق سفید و مرداسنگ از هر یک چهار درم

روغن زیت ده درم موم سفید و پیه بز از هر یک پنجدرم موم و پیه

در روغن زیت بگدازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن ضم

کنند و بر روی کاغذ پاره ضماد زنند — که چون بر لقمه کشند

و بر فم معده نهند اسهال سودا کند و چون بر زیر بغل اندازند اسهال

صفرا کند و چون بر ما بین دو رکن اندازند بلغم براند و این

ضماد از اسرار اطباست اطفال و پیران و کسی را که طاقت اسهال

بد و مسهل نباشد بدین معالجه کنند — ترمس مغز بیک کف

بکوبند و در دیگ کنند و آن مقدار شیر تازه که از ابیوش شود

بر سر آن ریزند و بجوش نهند تا ترمس شیر را جذب کنند و بعد از آن

ناسور را ان روغن کافور بجوش نهند تا بقوام آید استعمال کنند

[illegible] ان شاء الله

و چون خواهند که قطع اسهال شود دلمه را بر دارند و موضع

را بگلاب بشویند — که عرق النسا و وجع اورک را نافع بود

پوست بیخ کبر فودنج کوهی عاقرقرحا از هر یک ده درم عصاره

قثاء الحمار روح القرنفل از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بشراب عسل

ضماد کنند که همین منفعت دارد — نقرس را عاقرقرحا

از هر یک ده درم قسط تلخ و تخم ترتیزک از هر یک یکدرم زرنیخ

پنجدرم زفت را در روغن زیت بگدازند و باقی ادویه را

کوفته و بیخته لفافه نمایند و ضماد نمایند — که چون پوست از زهار حنظل

بر خیزد با صلاح آورد — مصطکی سه درم در پانزده درم روغن گل

بگدازند و دو درم نمک با آن بیامیزند و ضماد کنند — که استسقا

طحال را نافع باشد — بابونه اکلیل الملک مرزنگوش ابیشت

فودنج از هر یک ده درم زیره کرمانی سه درم کوفته و بیخته

با آب سداب ضماد کنند

زقی در حِ مقعد را سود دارد   ایضاً زعفران

از هر یک نیم دانگ مرداسنگ یکمثقال سفیداب ارزیز نیم درم

روغن گل یکدرم ضماد سازند   که ملائم باشد در اورام نافع بود

بابونه اکلیل الملک درمنه ترکی شبت و برق الغار مرزنگوش

ساذج روغن حجری ضماد نمایند   که اسهال مراری را نافع بود

برگ مورد گل سرخ جلنار مازو صندل املج لادن سماق اقاقیا

حضض ملح کوفته و بیخته با آب مورد بر شکم ضماد سازند و بگذارند

پستان بز رگ گرم   و دو لیموخته ارد جو مساوی سپرکرده بر شکم نهند

و در ماهای شیرزده متوالیا ضماد سازند   ایضا حشیش بنج

و درد ساکن کنند   ارد جو ده درم باقلا یکدرم اقاقیا

یکدرم سفیده تخم مرغ یک بیضه با آب کشنیز تر و آب کاهو

ضماد نمایند   که از جهت اختلاط عقل در امراض حاد نافع بود

صداع را

78

ارد جو ده درم سبوس گندم بفشه از هر یک پنج درم خطمی سه درم

با لب کسب بید و روغن گل و قدری سرکه ضماد کنند   که اسهال را

که بسبب ضعف قوه ماسکه و برودت جگر باشد نافع بود

سنبل الطیب اذخر افسنتین قشور کندر مصطکی لادن برگ

مورد ورق گل سرخ صندل از هر یک ده درم پوست انار

زرشک املج از هر یک پنج درم کوفته و بیخته به شراب ... ضماد سازند

قیلة الماء را سود دارد   ارد جو پشک گوسفند کهنه

گل ارمنی سرگین گاو خشک از هر یک ده درم سفرجل بوره ارمنی زیره

ترهزی سوخته تخم حنظل صبر سقوطری قشر الرمان از هر یک یکدرم

کوفته و بیخته با سرکه ضماد کنند   که افراط طمث را نافع بود

عدس مقشر پوست انار زرشک مازو برگ مورد ساذج کوفته و بیخته

با سرکه بسرشند و بر شکم و عانه ضماد کنند   که نگذارد ...

154

بیرون آید   شب یمانی سه درم نارو بر علف گوتو و تخم

برشش درم سرکه ضماد کنند و بر ماده محکم ببندند   کرفس

مرکب را نافع بود   مفاوت حلوط تخم مرداد رجه

سورنجان سادی بر روغن گل و زرده تخم مرغ

ضماد کنند   که جمیع انواع مفاصل را نافع است

بابونه خطمی اکلیل الملک از هر یک بیست درم آش

جاوشیر مقل از هر یک ده درم موم و سرکه از هر یک

پنجدرم روغن شبت بیست درم ضماد زنجبیل

ریست   که جمیع ادرام حاره در ابتدا نافع است دمل

ردع کند   شیاف مامیثا اقاقیا فوفل صندل آب

با بعی ضماد کنند   بواسیر و درد معده را

و زحیر را نافع بود   مغز بادام ده درم موم مسعدد

folitated 3/7/90 J.A.

END OF REEL

PLEASE REWIND

